

ترکیه : سرکوب و کشتار کردها

سرکوب و کشتار خونین کردهای ساکن ترکیه در هفته‌های اخیر، توجه جهانیان را برانگیخته است. اقلیت کرد ساکن ترکیه که همانند تمامی بخش‌های دیگر این ملت در دیگر کشورها از محدودترین درجه خودمختاری نیز محروم است، از سال‌های سال توسط حاکمان ترک تحت ستم و تضييق و فشار بوده است. کردها نه تنها از حق تعیین سرنوشت، که

کد

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۷۱ - اول آوریل ۱۹۹۲ - دوره سوم شماره ۳۱

کوشش‌های سازمان ملل پیرامون افغانستان

طرف‌های درگیر افغانی پس از آن آغاز شد که تقریباً تمام طرف‌های هم‌ده درگیر در بحران افغانستان از طرح صلح ۵ ماده‌ای دبیر کل سازمان ملل و کوشش‌های این سازمان برای حل و فصل سیاسی مسئله افغانستان استقبال کردند. براساس طرح ۵ ماده‌ای دبیر کل سازمان ملل، آینده افغانستان و حکومت آن کشور از طریق بقیه در صفحه ۱۲

بنون سوان" نماینده دبیر کل سازمان ملل در هفته‌های اخیر میان کابل، تهران و اسلام آباد در رفت و آمد است تا موافقت طرف‌های درگیر را برای برگزاری یک کنفرانس مقدماتی برای تشکیل دولت موقت انتقالی در افغانستان جلب نماید. تلاش‌های نماینده دبیر کل سازمان ملل و پیشنهاد تشکیل یک کنفرانس مقدماتی با شرکت نمایندگان

سال نو و تشدید مشکلات معیشتی مردم

بنابه تصمیم دولت از آغاز سال نو مبلغ دو هزار تومان به حقوق کارمندان و ۳۶ درصد به دستمزد کارگران اضافه شده است. مجلس نیز در آستانه سال نو با افزودن ماده‌ای به مصوبه سال ۶۷ پیرامون قانون مالیات‌های مستقیم، سقف مالیاتی حقوق بگیران دولت را بالا برد که مطابق آن درآمدهای ماهانه تا ۲۰ هزار تومان از آغاز امسال مشمول معافیت مالیاتی خواهد بود. پیش از این، معافیت مالیاتی شامل درآمدهای ماهانه تا ۷ هزار تومان بود. در بودجه‌ای که دولت برای سال جاری تنظیم کرده مبالغ نسبتاً قابل توجهی نیز سوبسید در نظر گرفته شده است. اینها اقداماتی است که دولت برای جبران بخشی از مشکلات معیشتی حاد مردم در سال جدید در نظر گرفته است.

با وجود آنکه این افزایش در حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان نسبت به سال‌های قبل چشم‌گیر است اما در برابر فاصله همیق میان حداقل سطح زندگی کنونی در کشور با قدرت خرید مردم اقدامی است ناچیز که در واقع مشکلی از مصائب بی‌شمار معیشتی گریبانگیر اکثریت مردم را حل نخواهد کرد. مطابق آماري که برخی نمایندگان مجلس به هنگام بررسی لایحه بودجه سال ۷۱ ارائه دادند از سال ۵۷ تا سال ۶۹ قیمت کالاهای مصرفی ۶۳۷/۵ درصد افزایش یافته است. در حالیکه در همین مدت حقوق و مزایای کارکنان دولت با افزایش معادل ۱۴۲ درصد روبرو بوده است. افزایش دستمزد کارگران نیز بیش از این نبوده است. حال اگر میزان افزایش حقوق و دستمزد کارمندان و کارگران در سال جدید با احتساب مبالغ حاصل از معافیت مالیاتی تا ۵۰ یا ۶۰ درصد حقوق و دستمزد بقیه در صفحه ۵

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل جمهوری اسلامی را محکوم کرد

پس از محکومیت در کمیسیون حقوق بشر رژیم بازرسان صلیب سرخ جهانی را از ایران اخراج کرد.

گزارش ۱۲۱ صفحه‌ای گالیندوپل به موارد متعدد از وجود زندانیان سیاسی، اعدام‌های گسترده، شکنجه زندانیان، محیط رعب و وحشت ایجاد شده توسط عوامل رژیم، سرکوب اقلیت‌های مذهبی، جلوگیری از فعالیت انجمنها و گروه مخالف رژیم، سانسور و سایر نشانه‌های نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی، تنها در طول یکسال گذشته اشاره شده بود.

جمهوری اسلامی که با پشتیبانی گروهی از کشورها بقیه در صفحه ۲

را مجدداً به مجمع عمومی سازمان ملل متحد احاله داد. سال گذشته و بر اثر تلاش‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی مسئله نقض حقوق بشر توسط این رژیم از دستور کار مجمع عمومی خارج شده بود.

تقطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی، بر پایه گزارش بازرسان ویژه از سومین سفر خود به ایران، تنظیم گردید. گالیندوپل در گزارش آخر خود با شدتی بیش از گزارش سال گذشته، جمهوری اسلامی را به نقض حقوق انسانی شهر و ندان متهم ساخته بود. در

اجلاس سالانه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو، طی قطعنامه‌ای به محکومیت مجدد رژیم جمهوری اسلامی به خاطر نقض شدید حقوق بشر در ایران رای داد. در قطعنامه کمیسیون نسبت به شمار اعدام‌ها، تبعیض‌های گسترده مذهبی، محروم بودن متهمان از حق داشتن وکیل مدافع، نبود آزادی و انجمن در ایران ابراز نگرانی شدید شده است. کمیسیون حقوق بشر ماموریت گالیندوپل را به مدت یک سال دیگر تمدید کرد و موضوع نقض حقوق بشر در ایران

انتخابات مجلس و سخن آخر خامنه‌ای

نظیر ندارد و در منطقه ماکشوری که به اندازه ایران در آن آزادی باشد، وجود ندارد. واکنش تند خامنه‌ای در برابر اعتراضات صورت گرفته به حذف داوطلبین نمایندگی مجلس، نشان دهنده ابعاد گسترده این اعتراضات است. اما خامنه‌ای چندین ناراحت مقاومت و اعتراضات رقبای خود نیست. او نگران آن است این اعتراضات واکنش‌ها در برابر تصفیه‌های شورای نگهبان مردم و حتی طرفداران رژیم را بیش از پیش متقاعد کند که نتیجه این انتخابات رانه رای آنها، بلکه تصمیمات جناح حاکم از طریق فقهای شورای نگهبان تعیین می‌کند و مشارکت یا عدم مشارکت آنها تاثیری در سرنوشت کارزاری که براه افتاده ندارد. از اینرو خامنه‌ای با اصرار از مردم می‌خواهد واقعیات را ندیده بگیرند و فعالانه در انتخابات شرکت نمایند. جناح حاکم از جمله بقیه در صفحه ۳

حذف کاندیداهای تندروها از سوی شورای نگهبان صورت می‌گیرد، گفت: در یکی از شهرها ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر جمع شدند که چرا ما حذف شدیم. این کارها را نکنید. فتنه‌گری نکنید. خامنه‌ای گفت: کسانی باید به مجلس راه یابند که کار کنند نه اینکه جلوی دولت را بگیرند. هلی خامنه‌ای هم چنین در سخنان خود مدعی شده که در برخی نقاط کشور نسبت به

هلی خامنه‌ای در مراسم نماز جمعه هفته گذشته در حالیکه دو هفته بیشتر به برگزاری انتخابات دوره چهارم مجلس اسلامی باقی نمانده طی سخنان تندی رقبای خود در انتخابات را مورد حمله قرار داد. خامنه‌ای که پس از مدت‌ها برای نخستین بار و به بهانه روز قدس در مراسم نماز جمعه شرکت کرده بود، با اشاره به اعتراضاتی که در برخی نقاط کشور نسبت به

موسوی خوئینی‌ها:

در صورت شکست در انتخابات خودکشی نخواهیم کرد!

در آستانه برگزاری انتخابات مهدوی کنی دبیر کل جامعه روحانیت مبارز تهران (وابسته به جناح مسلط) و موسوی خوئینی‌ها از چهره‌های موثر جناح تندرو، مواضع این دو جریان در انتخابات مجلس چهارم را تشریح کردند. موسوی خوئینی‌ها در سخنانی

آشتی جویانه نسبت به جناح مقابل از نیروهای جناح خود خواست که به "خودکشی" دست نزنند وی گفت پیروزی در انتخابات برای ما اصل نیست "چون ما کسانی را که در جامعه مقابلمان تلقی می‌شوند، آنها را هم مثل خودمان بقیه در صفحه ۳

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شادباش نوروزی

در صفحه ۲

سخن بهاری

برآمد باد صبح و بوی نوروز به کام دوستان و بخت پیروز مبارک بادت این سال و همه سال همایون بادت این روز و همه روز

سعدی

سالی دیگر از سخن با هم را آغاز می‌کنیم. کارکنان نشریه کار، نوروزان را به شما خوانندگان گرامی شادباش می‌گویند و برای شما عزیزان در سال ۱۳۷۱، شادکامی و بخت سفید آرزو می‌کنند. باشد که در سال پیش‌رو، سخن مان راه نیکی بگشاید و رستگاری را آواز دهد.

با آغاز سال نو، نشریه کار وارد دومین سال از سومین دوره زندگی خود می‌شود. سخن پیرامون آنچه که در سال تازه باید انجام دهیم را به میدان کار و تلاش می‌سپاریم. ولی درباره سالی که گذشت، اینست آنچه که در یک کلام می‌توان کارنامه‌اش خواند: تلاش صادقانه برای آنچه که بایست گفته شود و ناسر سندی از اینکه، همواره کمتر از آن بودیم که می‌توانستیم انجام بدهیم.

همانگونه که طبیعت بر یک روال نمی‌چرخد؛ آن را یخبندان است و گرمای سوزان، و شکوفه کنان است و برگریزان، کار نشریه کار نیز در یکسال گذشته، بس پرفراز و فرود بوده است. نه اینکه صرفاً، دگرگونی‌ها پر شتاب است و گفتن سخن در دست به زمان خود، دشوار. بیشتر از این رو که تنگناها کم نیست و یاری هاندک اند.

ما می‌خواهیم آنگونه باشیم که زمان می‌طلبد و بسیاری از خوانندگان نشریه، از ما می‌خواهند، می‌خواهیم که سراسر سال را در پرواز باشیم و هر پرواز سخن، شوری بر جان ما بیفکند، اندیشه‌ها را روشنی بخشد و پایبندی افکنی استوار فردای خوب باشد.

پرستو! بیک پر شور بهاران، امیدتاز به چشم انتظاران، تو در پرواز زنده باشی، امید پر گل آینده باشی،

(ژاله زنده رود)

ولی از خواستن تا توانستن، راه بس دراز است و بین آیدو، شکاف چه بسا ژرف! هنر در توانستن است. توانستن ما انسان‌های محصور در امکانات، بیش از همه وابسته است به شناخت واقعی‌ای که از توانایی‌های پنهان و آشکاری داریم. ما پنهان نداشته‌ایم که چه اندازه توان داریم و کمبودهایمان کدامست. درد اینجاست که می‌دانیم بیش از آن می‌توانیم برآمد کنیم که جلوه می‌کنیم. سخن، بر سر یاری‌های بقیه در صفحه ۲

اعتصاب و تظاهرات دانشجویان

خود به درگیری شدید بین دانشجویان و نیروهای انتظامی منجر شد. نیروهای انتظامی در خیابان به دانشجویان حمله کردند و شبانه نیز به خوابگاه‌های آنان یورش آوردند. برخی از گزارشات حاکی از دستگیری گسترده دانشجویان اعتراضی بوده است. بنا به گزارشات حدود ۱۵۰ نفر دانشجو و از جمله ۴۰ دانشجوی دختر در درگیری‌های خیابانی و یورش پاسداران به خوابگاه‌ها دستگیر شدند. وزارت فرهنگ و آموزش عالی و برخی روزنامه‌های رژیم دستگیری گروهی از "محرکان" تظاهرات را تایید در صفحه ۳

به دنبال طرح موضوع ادغام دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی در دانشگاه تربیت مدرس و انتصاب دکتر سید اصفهانی به ریاست این دانشگاه، یکی از شدیدترین اعتصابات دانشجویی، این دانشگاه را فراگرفت. هرچند انجمن اسلامی این دانشگاه از فعالین و سازمانگران اعتصاب بود، اما بنا به گزارشات رسیده اکثریت بزرگ دانشجویان این دانشگاه نیز در این حرکت شرکت کردند. تنش و درگیری در دانشگاه خواجه نصیر که از اوایل بهمن ماه آغاز شده بود، پس از یک ماه در دهم اسفند به اعتصاب بدل شد. اعتصاب در نخستین روزهای

در این شماره

مصاحبه نشریه کار با رضا مرزبان

در صفحه ۶

درباره اوضاع جهان و سمت تحولات آن

در صفحه ۸

ما کیابولیمت و مبارزه با ما کیابولیمس؟

در صفحه ۷

بقیه از صفحه اول

سخن بهاری

گر انقدری است که دریغ، هنوز کم دامنه است!
در پاسخ آنها که می خواهند کار از سخن بیفتد و نه تنها کار که هم ساتان آن، چمگلی در کنج خاموشی جای بگیرند، پاسخ ما، پیوستگی فریاد است و فریادی رسا، حقیقت جویی و حقیقت گویی. آزاده گی و آزادیخواهی. فریاد داد و دادخواهی. و در برابر دوستانی که می پندارند گویا خود پرستی در میان است و شاید که مادر پی جاودانگی کار هستیم، پاسخ ما اینچنین است: هر گاه که رو باشد و نیاز افتد تا کار در سخنگویی کارتر و فراگیر تر از خود برآمد کند، هیچ جای تامل و درنگ در میان ما جا نخواهد یافت. برای برآورده شدن این آرزو، بی گمان باید کوشید و بسیار هم کوشید. ولی نه با اراده گرایی و نه با کور کردن روزنه های نور موجود به امید آمیخته به بیم نور بیشتر! ولی تا آنگاه که زمینه پروازی اوج گیرنده و افق دار فراهم نیاید - کار خود در راستای فراهم آمدن آن می کوشد - باید که سخن گفته شود و هر چه گرم تر و زلال تر.

پس، در این بهار دل انگیز که شادابی و سرزندگی ما را غنیمت است و جنب و جوش زندگی طبیعت، ما را به تکاپوی بیشتر و شکوفاتر و امیدار، جای آن دارد که بیشتر و بیشتر، دست هم گیریم تا که سخن را آنگونه که بایسته و شایسته است سردهیم. در سالی که گام در آن نهاده ایم، کلام ما با شما اینست:

هر سخن ما را به نقد بنشینید،
- ما را در دریانت خبر و گزارش یاری دهید،
- برای نشریه تان، مطلب و مقاله بفرستید،
- و در آبو نمان نشریه کار بکشید.

(حافظ)

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

جمهوری اسلامی را محکوم کرد

بقیه از صفحه اول

موفق شده بود معاونت آسیایی اجلاس سالانه کمیسیون حقوق بشر را در اختیار بگیرد، تلاش بسیاری کرد تا چه از طریق این موفقیّت و چه از طریق مذاکرات پشت پرده و دادن وعده و وعید مانع تصویب قطعنامه محکومیت تصویب گردد. اما این تلاش شکست خورد. ۲۲ کشور به محکومیت رژیم اسلامی رای دادند. ۱۲ کشور با تصویب قطعنامه مخالفت کردند و ۱۵ کشور نیز رای ممتنع دادند. پس از تصویب قطعنامه نماینده جمهوری اسلامی در کمیسیون حقوق بشر به طور ضمنی خاطر نشان کرد که رژیم با ادامه کار هیئت بازرسی موافقت خواهد کرد.

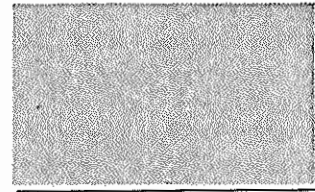
تصویب این قطعنامه پشت گرمی تازه ای برای مردم ایران در مبارزه دشوارشان به خاطر احقاق حقوق خویش و مقابله با اقدامات ضد دموکراتیک و سرکوبگری های رژیم است و بار دیگر بر این حقیقت مهر تایید می گذارد که آنها در مبارزه خویش علیه دیو استبداد در ایران تنها نیستند و از پشتیبانی های همین جهانی بر خوردارند.

تصویب قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی ضربه دیگری بر تلاشهای رژیم است که به منظور کسب مشروعیت جهانی صورت می گیرد. رژیم اکنون مدت ها است می کوشد که کاهش برخی فشارهای اجتماعی به مردم را در چشم جهانیان باز شدن فضای سیاسی در ایران و حرکت به سوی دموکراسی و رعایت حقوق بشر جا بزند و فشار افکار عمومی جهانی به جمهوری اسلامی به دلیل نقض حقوق بشر را کاهش دهد. محکومیت رژیم آزادی کش اسلامی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، به بی اعتباری بیشتر این تلاشهای فریبکارانه منجر شده و موانع تازه ای در جهت گسترش روابط جمهوری اسلامی با کشورهای خارجی و به ویژه غربی فراهم می آورد.

سران رژیم پس از تصویب

قطعنامه کوشیدند آنرا محصول سیاستهای آمریکا و در نتیجه بی اعتبار و نامود سازند. منوچهر متکی معاون وزارت خارجه در این زمینه گفت: "اسلامیه حقوق بشر اساسا غربی است و در زمان تصویب آن هیچ یک از کشورهای اسلامی حضور نداشته اند." وی با گستاخی مدعی شد که: "ما تلاش کرده ایم مبانی حقوق بشر را ارتقاء دهیم که به توفیقات بسیاری نیز دست یافته ایم!"

تنها چند روز پس از تصویب قطعنامه فوق، حکومت اسلامی در یک اقدام شدید و خشن کار بازرسان صلیب سرخ جهانی در ایران را تعطیل و نمایندگان این ارگان بین المللی را از ایران اخراج کرد. محمد یزدی رئیس قوه قضائیه با انتشار بیانیه ای از بازرسان این سازمان را به تخطی از وظایف خود و دخالت در کار ارگانهای حکومت ایران متهم ساخت. صلیب سرخ جهانی نیز متقابلا با انتشار اطلاعیه ای اتهامات جمهوری اسلامی را مردود دانست و تصریح کرد که بازرسان این سازمان از حدود وظایف خود خارج نشده اند. صلیب سرخ جهانی در این اطلاعیه خاطر نشان کرد که: اخراج بازرسان این سازمان کنترل بر زندانهای جمهوری اسلامی و از جمله وضعیت اسرای جنگی عراق را از بین برده است. صلیب سرخ جهانی خاطر نشان کرده است که اقدامات دولت ایران خلاف قراردادها بین المللی است. قابل ذکر است که حکومت اسلامی تنها مدتی پیش با بازرسی زندانهای ایران توسط صلیب سرخ جهانی موافقت کرده بود. اقدام به اخراج بازرسان صلیب سرخ جهانی از ایران، تنها چند روز پس از محکومیت رژیم به خاطر نقض حقوق بشر، نشانگر آن است که این رژیم همانند گذشته و برخلاف آن چه که می گوید، کوچکترین اهمیتی به مقررات و قوانین بین المللی ندارد و حتی تعهدات پذیرفته شده از سوی خود را نیز



بقیه از صفحه اول

این انتخابات، موضع "نهیض آزادی" را به نحوی روشن اعلام داشت.

ما، اقدام "نهیض آزادی" در انتقاد مسئولانه آن به شرایط حاکم بر فضای انتخابات حکومتی را اقدامی به جا و آن را رعایت شرط حرمت به آزادی و دموکراسی تلقی می کنیم. این طبیعی است که شکل مبارزه و نوع انتخاب بیان مواضع سیاسی، امری مشروط به موقعیت یک جریان یا نیروی سیاسی است که آن را و می دارد تا رعایت اوضاع و احوال تحمیل شده را بکند. انتقاد ما هم در رابطه با شکل موضع گیری "نهیض آزادی" نبود زیرا ما به وضعیت بین المللی ندارد و حتی تعهدات پذیرفته شده از سوی خود را نیز

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شادباش نوروزی

همجواری و نزدیکی میهن ما، کشورهای تازه استقلال پدید آمدند که هر یک از آنها دارای پیوندهای ملی، زبانی، و یا فرهنگی و فکری ژرفی با ما هستند. در این کشورها، نوروز امسال پر رونق تر از هر زمان جشن گرفته می شود و در برخی از آنها سیمای ملی به خود می گیرد. این کشورها که در جستجوی هویتی پایدار و موقعیت ملی استوار برای خویشند، در تلاش برای بازیابی خود، دیگر بار ایران را می یابند تا که فرهنگ ایرانی را در یابند. سیر رویدادها، کشور ما را در موقعیت تاثیر گذار بر همسایگان خود قرار داده است. هم اینک میهن ما می تواند در سمتگیری سیاسی، ملی و فرهنگی کشوری تازه بنیاد منطقه به بویژه ملت های هم تبار ما نقش بزرگی ایفا کند. در چنین شرایطی که اسلام گرایی، ملیت پرستی ترکی و آریایی به رقابت برخاسته اند، الگوی ترقیخواهانه برای همه این ملت ها و برای همه ملت های منطقه ما نیازی است که بشارتگر دوستی و همکاری ملت ها و حاکمیت دموکراسی در همه این کشورها باشد. ایران ما می تواند حلقه مهمی در زنجیر اتحاد بین همه کشورهای منطقه باشد. اتحادی که، بر پایه تامین شرایط پیشرفت همه این کشورها، مبادله فرهنگی و امنیت همگانی باشد. اتحادی که، ثروت های این منطقه فنی را هم برای آبادانی و بهزیستی خود آن می خواهد و هم برای توسعه مناسبات با جهان. در یفا که حاکمیت رژیم دین سالار بر میهن ما، نه تنها مانع از تحقق این فرصت ارزشمند تاریخی توسط مردم ایران است بلکه علیه رفاه خواست مردم ایران، بنام مردم ایران از سویی یا سلاح تفرقه افکنانه بازار تفرقه افکنان را رونق می بخشد و از سوی دیگر به این ملت های مشتاق، بنیادگرایی اسلامی و بازگشت به قرون وسطی را توصیه میکند. اما، تا آنجا که به مردم ایران مربوط می شود، باز هم می توان و باید از هر امکانی برای تاثیر گذاری بر روندهای جاری در منطقه ما به سود دموکراسی، دوستی و همکاری ملت های منطقه قویا بهره گرفت. نیروی صلح و دوستی، دموکراسی و پیشرفت، رفاه و داد در ایران می تواند با فراخواندن همگان خود در میان سایر ملت های همجوار نزدیک میهن ما، بدیلی شایسته در برابر گرایش ها و تمایلات بدفرجام آزمون پس داده را عرضه کند. اشتراکات فرهنگی دیرینه، هم تباری ها و پیوندهای باستانی باید در خدمت نوروز بهروزی و آینده انسانی همگانی قرار گیرد.

هم میهنان!
نوروز ۱۳۷۱ را به شما شادباش می گوئیم و آرزو میکنیم که سال نو، برای شما نیکروزی، شادکامی و فراوانی به ارمغان آورد.

امسال نیز، نوروز - این گرمی همد باستانی ما، همچنان در بند تاریخ اندیشانی است که شادی را گناه می دانند و ایران ما را تلخکام می خواهند. امسال هم، سفره هفت سین ما از سرور برای آزادی تهی است. خودکامگان مانع آنند که در میهن ما، بهار آزادی شکوفه زند، اندیشه ها گل کند و منطق و خرد جای زور و تازیانه را بگیرد. آنها نمی گذارند تا فقر و ادبار در کشور، بی حقی و ستمگری، جهل و عقب ماندگی، و دهها دشواری در گستره ملی، به نیروی دموکراتیک مردم چاره یابد و پس آنگاه، هر روز مردم نوروز شود و نوروزان، بهار شادمانه در خانه هر ایرانی را بکوبد و گل امید به فرزندان چشم انتظار ما میدی دهد. آنها به سان پیشینیان خود می خواهند که نوروز باستانی را از ما بگیرند و چون نمی توانند، آن را از رونق می اندازند و به اشک و خون و سیه روزی می آیند. اما شادا که با گذشت هر سال، یکسال از عمر تبخکارانه بیدادگران کم می شود و ما یکسال به نوروز پیروزی و بهار آزادی نزدیک می شویم.

هم میهنان!
ما را توان آن هست که در میان تاریکی و استبداد این ایام خلافت اهریمنان، نور رستگاری را ببینیم و شکوفه های امید به یافتن گفتار و کردار ممانگ برای رهایی راه، از دل زمستان بیرون کشیم. در سالی که گذشت جنبش برای آزادی و دموکراسی، در راه دشوار و پر پیچ و خم خود، بردبارانه گام های دیگری به پیش برد. چاره اندیشی ها در وجود پیشنهاد های هم سان، برآمد کرد. اندیشه تشکل و فرهنگ همزبانی و همکاری از فکرای مخاطره آمیز فردگرایی ها و دوری گزینی ها پیشی گرفت. کوشش های امید برانگیز در میان روشنگران آزادیخواه و دموکرات ره باز کرد و اینجا و آنجا به یک نشست، در یک نگاه کلی، احساس نیاز به آزادی، به یک احساس ملی بدل می شود و احساس مشترک دموکراسی برای ایران، با اندیشه ایران برای همه ایرانی ها در می آمیزد. پذیرفته شدن هر چه بیشتر اصل مرجعیت مردم و احترام به رای مردم در انتخاباتی واقعا آزاد که در آن کلیه ملزومات انجام انتخابات آزاد فراهم آمده باشد، پشتوانه نیرومندی برای روندی است که می تواند آینده نوید بخشی را برای ایران مارقم بزند. این روند از میان تجربه فنی چند دهساله تاریخ میهن ما و تجربه عظیم تاریخ دیگر ملت ها سر برآورده است و هر سال در مقایسه با سال قبل، شتاب و دامن بیشتری بخود می گیرد. نیروگیری این روند، میدان عمل نیروهای زورگو، خود پرستی و خود مدار را هر چه بیشتر تنگ و تنگ تر می کند و آنها را به روزهای سپری شده متعلق می سازد. نوروز آزادی در دست نیروی باورمند به دموکراسی گل خواهد داد.

هم میهنان!
کره خاکی ما، یکسال دیگر خورشید تابان را چرخ زد و گردشی نوین آغاز کرد. در سال پر تلاطم ۱۳۷۰، دگرگونیهای شگرفی در جهان مارخ داد. در

پیرامون مواضع اخیر نهضت آزادی توضیح و پوزش ما

تقصیر ما دچار سوء برداشت شده اند هذر خواهی کنیم.

آقای مهندس بازرگان در آخرین روزهای سال ۱۳۷۰، در یک گفتگوی تلفنی با رادیو بی بی سی اعلام داشت که: "در ایران فعلی امنیت و آزادی برای شرکت در انتخابات وجود ندارد" و تاکید کرده بود که: "ما در انتخابات شرکت نخواهیم کرد." و ما، خوشوقت و خرسندیم که "نهضت آزادی ایران" که در شرایط اختناق حاکم بر کشور، سیاست انتقاد از استبداد حاکم و انحصارگری، سرکوب و فشار از سوی مقامات رژیم را ولو نه با وسعت نظر کافی و وافی پیش می برد، موفق شد با اتخاذ موضع درست و بموقع در قبال انتخابات

آن راه اشتباه موضع نهضت تلقی کردیم. این خطای سیاسی، البته هم مسبوق به برخی موضع گیری های توهم آفرین و بد بد آموز نهضت آزادی در گذشته نه چندان دور بوده و هم بویژه از اظهاریه نادقیق و نارسای "نهضت آزادی" درباره تغییرات در فضای کشور بعد از دیدار سران آن با نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر ناشی می شد. با اینجمله، ما وظیفه خود میدانیم که بخاطر آنچه که به غلط به "نهضت آزادی" در مورد انتخابات دوره چهارم مجلس حکومت اسلامی نسبت داده بودیم، از اعضای "نهضت آزادی" پوزش بخواهیم و از خوانندگان عزیز نیز بدلیل آنکه به

انتخابات مجلس و سخن آخر خامنه‌ای

بقیه از صفحه اول

علی خامنه‌ای نگران بی تفاوتی مردم و بویژه حزب الله در برابر انتخابات است. در کارزاری که این روزها حول انتخابات مجلس چهارم میان دو جناح حکومت اسلامی برافراشته، خامنه‌ای بر خلاف خمینی از اعتبار و اتوریته لازم برای ساکت کردن معترضین برخوردار نیست. این تنها خمینی بود که همواره در چنین کشاکشهایی معارضین را برضی به سکوت وامیداشت. توپ و تشر خامنه‌ای به جای ساکت کردن اعتراضات به دامنه آن خواهد

موسوی خولینیها:

خودکشی نخواهیم کرد!

بقیه از صفحه اول

مسلمان، مومن و معتقد به انقلاب ولایت فقیه می‌دانیم. وی گفت: «ما در شواری مرکزی مجمع روحانیون مبارز هیچ وقت فرض نمی‌کنیم که اسلام خاص و ناب فقط ما هستیم». وی تاکید کرد که همه جناح‌های رژیم خواهان حفظ و بقای اسلام و جمهوری اسلامی هستند. خولینی‌ها در ادامه سخنانش گفت: «منتها ما فکر می‌کنیم یک راه حل خاصی برای رسیدن به این اهداف داریم. وی گفت بر این اساس لیستی از سوی روحانیون مبارز ارائه خواهد شد. خولینی‌ها خاطر نشان کرد: اصل رای مردم است و اگر مردم به ما رای ندادند گله مند نخواهیم شد. وی خواهان رعایت «اخلاق اسلامی» در جریان انتخابات شد و گفت: «ما مصممیم که اهانت به هیچ روحانی و مسلمانی نشود و حتی اگر ما را مورد بدترین اهانت قرار دهند، خولینی‌ها سبب به انتقاد از روش جناح مخالف از جمله در مورد «مخدوش ساختن» شخصیت مهدی کربوبی رئیس مجلس پرداخت و هشدار داد که این گونه روشها کل نظام را تضعیف میکند و باور مردم به همه رهبران و مقامات حکومت راز بین می‌برد. خولینی‌ها نظرات مطروحه در محافل رژیم در مورد فلتا بودن سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی در ۱۰-۱۲ ساله گذشته را ناصحیح خواند و گفت ادامه این نظرات به آنجا خواهد رسید که جامعه در همه چیز تردید کند و بگوید «نکند آن یکی هم اشتباه باشد، نکند جنگ ثان همه اشتباه بوده، نکند برخوردتان با امریکا اشتباه بوده؟ نکند رفتارتان با مخالفین داخلی اشتباه بوده؟ کل مدیریت سیاسی و سیاست امام زیر سؤال می‌رود. چون این طور چیزها به یک نقطه متوقف نمی‌شود». وی با اشاره مجدد به اهمیت انتخابات گفت: تلاش می‌کنیم لیست ما پیروز شود، اما مسابلی است که در قدرت ما نیست، صلاحیت‌ها را رد می‌کنند، هیئت‌های نظارت را یک طرفه انتخاب می‌کنند و... خولینی‌ها تاکید کرد: «به هر حال مرجع قانونی آنها هستند، آنها این کار را کردند، اگر اشتباه کردند، تذکر برادرانه، دوستانه مخلصانه می‌دهیم، اگر به نظر ما عمل کردند نعم المطلوب، اگر عمل نکردند ما هم خودکشی نخواهیم کرد، خودکشی یعنی اینکه شروع کنیم به هتاک و جسارت و اهانت، نه کار دست کسانی است که امروز آنها مرجع قانونی هستند. این طوری می‌خواهند عمل کنند، ما حرف‌مان را مودبانه و محترمانه می‌زنیم، نتیجه داد ما وظیفه را عمل کردیم، نتیجه نداد

مهلت ثبت نام کاندیداهای

مجلس پایان یافت

*جز افراد وابسته به رژیم کسی کاندید

شرکت در انتخابات نشده است

ثبت نام کاندیداهای نماینده‌گی دوره چهارم مجلس که از روز ۲۱ اسفند آغاز شده بود تا روز ۲۷ اسفند ادامه یافت. طی این مدت در ۱۹۶ حوزه انتخابیه مجموعاً ۳۲۰۹ نفر داوطلب نماینده‌گی مجلس ثبت نام کرده‌اند. قرار است در این انتخابات ۲۷۰ نماینده انتخاب شوند. برای انتخاب حداقل یک سوم آراء در دور اول و کسب اکثریت نسبی در دور دوم ضروری است. بنابه گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی گروهی نیز در خارج از کشور با مراجعه به نمایندگی‌های جمهوری اسلامی داوطلب نماینده‌گی مجلس شده‌اند. اسامی این افراد و وابستگی سیاسی آنها منتشر نشده است. صلاحیت کاندیداهای نماینده‌گی توسط فقهای شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفته و به آنها اعلام خواهد گردید. مدتی نیز برای اعتراض به تصمیم شورای نگهبان در نظر گرفته شده است. اسامی قطعی کاندیداهایی که صلاحیت آنها مورد تایید فقهای شورای نگهبان قرار گرفته است روز دوازدهم فروردین اعلام خواهد شد و تبلیغات رسمی کاندیداهای پس از آن آغاز خواهد شد. دو روز پیش از آغاز ثبت نام کاندیداهای کجما «لیست اولیه» کاندیداهای جامعه روحانیت مبارز تهران وابسته به ائتلاف حاکم و مجمع روحانیون مبارز تهران، وابسته به جناح تندرو، را انتشار داد. هر دو جریان تاکید کرده‌اند که لیست‌های منتشره هنوز قطعی نشده‌اند. این لیست به منظور آشنایی خولینگان با کاندیداهای دو جناح در تهران در این شماره نشریه درج شده است. لازم به تذکر است که جامعه روحانیت مبارز بعداً کاندید شماره ۱۶ خود را بجای مرتضی الویری، مجمع روحانیون اعلام کرد. مجمع روحانیون مبارز نیز اعلام کرد که ابراهیم اصغرزاده که نام او در لیست اولیه به چشم نمی‌خورد، جزو کاندیداهای قطعی «روحانیون مبارز» است. متأسفانه تا هنگام چاپ نشریه لیست‌های قطعی شده دو جناح به دست ما نرسید. گروه‌های غیر وابسته به رژیم در انتخابات شرکت نکرده‌اند. نوری وزیر کشور در مصاحبه مطبوعاتی خود به مناسبت شروع ثبت نام کاندیدها در روز ۲۰ اسفند در مورد احتمال پذیرش کاندیدا از سوی نهضت آزادی پاسخ روشنی نداد. وی جواب به سوال خبرنگار روزنامه سلام را که پرسیده بود: «آیا به عنوان مثال نهضت آزادی ایران مجاز است همچون سایر گروه‌های سیاسی که فاقد مجوز رسمی فعالیت می‌باشند، به فعالیت‌های انتخاباتی و معرفی کاندیدا اقدام نمایند؟» به زمان دیگری موکول کرد! مهندس بازرگان دبیر کل نهضت آزادی در مصاحبه با رادیو بی. بی. سی اعلام داشت که در ایران فعلی امنیت و آزادی برای شرکت در انتخابات وجود ندارد و به این دلیل نهضت آزادی در انتخابات شرکت نخواهد کرد.

جامعه روحانیت مبارز تهران (وابسته به جناح رسالت) بانزدیک شدن انتخابات اقدام به تمهیه بولتنی کرده است که تا نیمه‌های اسفند ۷ شماره از آن انتشار یافت. این بولتن محرمانه است و بین امام‌های جماعت مساجد توزیع می‌گردد. هدف این بولتن مقابله با جناح مخالف و آماده کردن شرایط برای حذف آنان در انتخابات است. روحانیت مبارز در این بولتن ضمن افشای مداوم رقیب و دستورالعملهایی به امام‌های جماعت مساجد در مورد حمله به این جناح و بی‌اعتبار کردن آنها در انتخابات صادر می‌کند. انتشار این بولتن با اعتراض‌های گسترده‌ای در میان تندروها مواجه شده است. دستاویز آنها برای اعتراض «فیر قانونی» بودن این بولتن است. تندروها استدلال می‌کنند که این بولتن مجوز قانونی برای انتشار ندارد و برای ادامه انتشار باید از وزارت ارشاد (که تحت کنترل تندروهاست) اجازه انتشار بگیرد. تندروها انتقادات خود را به خود جامعه روحانیت مبارز هم گسترش داده و فعالیت آن را فیرقانونی خوانده‌اند. منتخب نیا نماینده شیراز در مجلس وابسته به جناح تندرو طی یک سخنرانی گفت: «جامعه روحانیت به دلیل آنکه از قبل بوده و سابقه دارد خود را از این لحاظ که اجازه فعالیت سیاسی و اجتماعی بگیرد، بی‌نیاز دیده و در نتیجه این اجازه را نگرفته است و این طریقی نظر همفکران ما فیرقانونی است و باید در این موارد کسب تکلیف کنند». گفتنی است که «جامعه روحانیون مبارز تهران» که وابسته به جناح تندروست هم برای فعالیت خود و هم برای انتشار بولتن محرمانه‌اش از وزارت ارشاد اجازه فعالیت و انتشار گرفته و این موضوع زبان تندروها

در حاشیه رویدادهای سیاسی

باید مجوز بگیرید!

را در انتقاد از حریف تندتر کرده است. بدنبال بالا گرفتن موج انتقادات علیه جامعه روحانیت مبارز تهران، مهدوی کنی دبیر این جامعه در مقام پاسخگویی برآمد و گفت: «در شورای مرکزی جامعه روحانیت در این باره بحث شده، بنده با اجازه گرفتن مخالف بودم. من این کار را به صلاح جامعه نمی‌دانم و معتقدم جامعه روحانیت مشمول قانون احزاب نمی‌باشد چنانکه جامعه مدرسین قم و آئمه جمعه و جماعات و جمع روحانیون مبارز نیز از این متوله خارج هستند». وی در تایید سخنان فوق افزود: «روحانیت مورد تایید مقام رهبری است و نیاز به تایید دیگران نمی‌باشد». وی تایید خمینی از جامعه روحانیت و جامعه مدرسین را دلیل دیگری بر این موضوع خواند و گفت «روحانیت باید جنبه مردمی داشته باشد، نه دولتی» و «روحانیتی که در خط ولایت و انقلاب است جواز نمی‌خواهد». مهدوی کنی مدعی شد موضوع را نزد «مقام معظم رهبری» نیز طرح کرده و ایشان هم فرموده‌اند: «من هم عقیده‌ام همین است، مجوز لازم نیست». روزنامه سلام به اظهارات مهدوی کنی پاسخ داد و نوشت: «آیا گروه‌هایی که مجوز رسمی از کمیسیون ماده ۱۰ گرفته‌اند آثانی هستند که مورد تایید رهبری نیستند... آیا قانون فقط برای آثانی است که مورد تایید نیستند، و آنان که مورد تاییدند از مشمول قانون مستثنی می‌شوند؟ سلام با اشاره به اینکه قانون برای همه است خطاب به مهدوی کنی به طنز نوشت: «اگر جناب عالی قصد راندگی داشته باشید به این اعتبار که مورد تایید رهبری هستید، نمی‌بایست گواهینامه دریافت کنید؟!»

«گروه ۹۹ نفری را معرفی کنید!»

نزدیک شدن انتخابات افشاگری جناح‌های حکومتی را صراحت بیسابقه‌ای بخشیده است و برخی پرونده‌های قدیمی از جمله پرونده مشهور ۹۹ نفره را نیز به میان آورده است. این گروه نمایندگان وابسته به جناح رسالت در مجلس دوم بودند که علیرقم دستور صریح خمینی به مجلس مبنی بر دادن رای اعتماد به دولت میر حسین موسوی که در آن زمان با خامنه‌ای رئیس جمهور وقت در تقابل بود به کابینه وی رای منفی دادند و به گروه ۹۹ نفره معروف شدند. جناح تندرو دوباره این پرونده را به قصد کوبیدن مخالفین به میان آورده است. در یک جلسه سخنرانی از هسکروالادی پرسیده شد: شما که الان حمایت از دولت را واجب می‌دانید چطور در زمان جنگ و علیرقم دستور صریح امام به دولت مهندس موسوی رای منفی دادید و آن گروه ۹۹ نفره را درست کردید؟ هسکروالادی باه میان کشیدن پای خامنه‌ای پاسخ داد که: «اول آن گروه ۹۹ نفره نبود و صدمین نفرش «مقام معظم

- ۱- سید علی غیوری
- ۲- سید علی اکبر حسینی
- ۳- عباس شیبانی
- ۴- علی اکبر تاطق‌نوری
- ۵- سیدعلی اکبر ابوترابی
- ۶- محمود دعایی
- ۷- حسن روحانی
- ۸- سعید زنجانی
- ۹- سعید رجائی خراسانی
- ۱۰- محمد رضا باهر
- ۱۱- علی عباسپور
- ۱۲- محمدعلی موحدی کرمانی
- ۱۳- مهندس یحییوی
- ۱۴- محمدی باوجی
- ۱۵- دکتر صدر
- ۱۶- مرتضی الویری
- ۱۷- محسن مجتهد ظهیری
- ۱۸- سید رضا تقوی
- ۱۹- مایر
- ۲۰- عسکر اولادی
- ۲۱- علی نقی خاموشی
- ۲۲- محمدعاشم رهبری
- ۲۳- دکتر لاریجانی
- ۲۴- دری نجف‌آبادی
- ۲۵- محمد کاظم سیفیان
- ۲۶- خانم مریم بهروزی
- ۲۷- خانم دکتر دستجردی
- ۲۸- خانم فیاض‌بخش
- ۲۹- خانم لیان‌نژاد
- ۳۰- خانم نوبخت

- لیست اولیه کاندیداهای مجمع روحانیون مبارز در تهران:
- ۱- مهدی کربوبی
- ۲- موسوی خولینی‌ها
- ۳- محمد رضا توسلی
- ۴- محمود دعایی
- ۵- علی اکبر محتشمی
- ۶- مرتضی الویری
- ۷- سعید تسلیمی
- ۸- عباس دوزدوزانی
- ۹- عبدالواحد موسوی لاری
- ۱۰- مرتضی کتیرایی
- ۱۱- عیسی ولایی
- ۱۲- محمدفرهادی
- ۱۳- شمس وهابی
- ۱۴- سعید جباریان
- ۱۵- محمدعلی صنوقی
- ۱۶- فضل‌الدین جباری
- ۱۷- محمدسلارفتی
- ۱۸- ابوالقاسم سرحدی زاده
- ۱۹- بهزاد نبوی
- ۲۰- علیرضا محجوب
- ۲۱- علی اکبر ابوترابی
- ۲۲- مهندس یحییوی
- ۲۳- سیدمحمد اصغری
- ۲۴- نجفقلی حبیبی
- ۲۵- حسین خفتری نژاد
- ۲۶- عاقل‌صمدی (رجائی)
- ۲۷- فاطمه کربوبی
- ۲۸- کرچی
- ۲۹- مرزیه حدیدی (دیباغ)
- ۳۰- گوهر الشریعه (تغییب)

از میان رویدادها

معلولین جنگی

هم به تنگ آمده‌اند

گرانی، کمبود و سایر مشکلات زندگی در جمهوری اسلامی "معلولین جنگی" را هم به تنگ آورده و به اعتراض راهپیمایی کشانده است. اعتراض اصلی آنها که به حرکت‌های متعددی در شهرهای مختلف دست زده‌اند، به بنیاد جانبازان است. این بنیاد (بنیاد مستضعفان سابق) - که به گفته یکی از نمایندگان مجلس "یک دولت مقتدر و ثروتمند" است و سرمایه‌های عظیمی در آن انباشته شده، به نیازها و خواسته‌های معلولین جنگی بی‌اهتمالی می‌کند. بنا به گفته برخی از دست‌اندرکاران هر روز ۴ تا ۳ هزار معلول به این بنیاد مراجعه می‌کنند و خواهان رسیدگی به شکایات و خواسته‌های خود می‌شوند، اما در آنجا گوش شنوایی وجود ندارد. مقامات رژیم تایید می‌کنند که این بنیاد با امکانات عظیم مالی که در اختیار دارد می‌تواند به راحتی نیازهای آسیب‌دیدگان جنگی را بر طرف کند، اما کسانی که جزو قدرتمندان نظام جمهوری اسلامی هستند بر این امکانات عظیم چنگ انداخته‌اند، حاضر نیستند اندکی نیز از آنچه راکه بنام جانبازان و مستضعفان به نام خود کرده‌اند صرف رسیدگی به خواسته‌های آنان سازند.

تشکیل موسسه

ایرانسرای فردوسی

گروهی از هنرمندان و ادیبان به تشکیل موسسه‌ای بنام "موسسه ایرانسرای فردوسی" اقدام کردند. منظور این موسسه احداث بنای یادگار حکیم ابوالقاسم فردوسی در شهر طوس اعلام شده است. قرار است هزینه ایجاد و نگهداری مجموعه که شامل کتابخانه، موزه، تالار سخنرانی و ملحقات آن خواهد بود، با کمک مردم تامین شود. هیئت موسس ایرانسرای فردوسی عبارتند از: احمد آرام، قلامحسین امیرخانی، عبدالحمید زرین کوب، محمدرضا شجریان، حسن شهیدی، فریدون مشیری و محمد علی اسلامی ندوشن. هفت نامه کیهان هوایی ضمن درج خبر تشکیل ایرانسرای فردوسی، در واکنشی توأم با نگرانی ابراز امیدواری کرده که این تشکل تحت تاثیر جریان‌های سیاسی قرار نگیرد و افراد وابسته و مساله‌دار از بنیادهای به ظاهر مطالعاتی و تحقیقاتی خارج از کشور و دیگر عناصر مشکوک در آن راه نیابند!

کنسرت

شجریان در تهران

کنسرت محمدرضا شجریان در فرهنگسرای بهمن با استقبال فوق‌العاده مردم جنوب شهر تهران روبرو شد. فرهنگسرای بهمن در محل کشتارگاه سابق تهران بنا شده است. استقبال مردم از این کنسرت در پنج شب متوالی چنان بود که شجریان ناگزیر گردید آن را دوشب دیگر تمدید کند. شجریان درآمد حاصل از این کنسرت را صرف احداث تاسیسات فرهنگی در این فرهنگسرای کند.

اعتراض معلمان

به طرح کارانه وزارت آموزش و پرورش

اجرای "طرح کارانه" از سوی معلمان تهران مورد اعتراض قرار گرفته است. "طرح کارانه" یک طرح تشویقی است و ۴۰ درصد از معلمان و کادر مدارس ابتدایی را تحت پوشش قرار می‌دهد. این عده از تشویق‌های مادی که سقف آن تا ۱۶۰ هزار ریال است برخوردار خواهند شد. معلمان و کادر آموزشی که شامل تشویق می‌شوند بطور همده به نظر مدیریت مدارس مشروط شده است. سایر ضوابط عبارتند از: تراکم کلاس، دوری راه و نمره کلاسی دانش‌آموزان. معلمان این طرح را یک طرح تبعیض آمیز می‌دانند و می‌گویند در حالیکه اکثریت معلمان در مدارس برای نونهالان این کشور

نرخ مکالمه تلفنی ۷۰ درصد افزایش یافت

وزارت پست و تلگراف و تلفن اعلام داشت که از نخستین روز سال جاری بهای مکالمه تلفنی شهری و بین شهری در سطح کشور افزایش یافته است. بهای تازه برای هر یاس (شماره کنتور) ده ریال می‌باشد. نرخ هر یاس در سال گذشته ۶ ریال بود. به این ترتیب هزینه مکالمه تلفنی در ایران یکبار به نزدیک ۷۰ درصد بیشتر شده است.

آمار "فرهنگ روستایی کل کشور" منتشر شد

مرکز آمار ایران، "فرهنگ روستایی کل کشور" را منتشر کرد. مطابق آمار ارایه شده که مربوط به سال ۱۳۶۷ است، ایران در سال مذکور دارای ۲۴ استان، ۱۹۶ شهرستان، ۴۹۵ بخش، ۱۵۵۹ دهستان و ۱۰۴۲۶۹ آبادی بوده است. براساس این آمار استان خراسان با ۳۷۵۴۶۶ خانوار بهره بردار کشاورزی، دارای بیشترین جمعیت روستایی در بین استان‌های کشور بوده است. در این سال ۵۲۴۸۵ حلقه چاه عمیق در ۱۶۱۲۳ آبادی و

تشکیل گروه دوستی ایران و لیبی

به دنبال سفر الصوارئیس مجلس لیبی به تهران، مجالس دو کشور ایران و لیبی اقدام به تشکیل یک گروه دوستی کردند. هیات رئیسه طرف ایرانی گروه

حراج تابلوهای قدیمی و نفیس

مدیریت اموال منقول بنیاد مستضعفان و جانبازان طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد در نظر دارد تابلوهای قدیمی و نفیس لیتو گراف، ابرنگ و رنگ روغن خود را به صورت حراج به فروش برساند. گفته می‌شود که اکثر قریب به اتفاق تابلوهای موجود در گنجینه هنری بنیاد مذکور جزو مهمترین ذخایر فرهنگی ایران به شمار

سینمای ایران

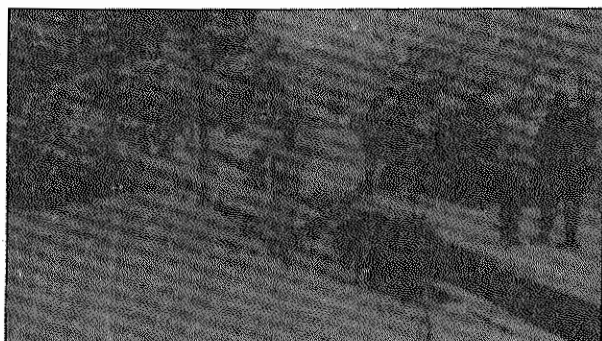
ممکن است تا دو سال دیگر تعطیل شود

محمد بهشتی مدیر عامل بنیاد سینمایی فارابی در سخنرانی خود در سمینار "بررسی سینمای ایران پس از انقلاب" با اشاره به مشکلات جامعه فیلمسازان و تهیه کنندگان فیلم‌های ایرانی گفت: "در صورتی که ارزش مورد نیاز این گروه با نرخ رسمی تامین نشود جامعه فیلمسازان با مشکلات جدی روبرو شده و سینمای ایران ظرف دو سال آینده تعطیل خواهد شد." سمینار "بررسی سینمای ایران پس از انقلاب" از ۱۰ تا ۱۵ اسفند ماه گذشته برگزار شد و

ترکیه ایران را به ارسال سلاح به قره باغ متهم کرد

دولت ترکیه ایران را متهم به ارسال تجهیزات جنگی برای ارمنه قره باغ کرده است. دکتر ولایتی وزیر امور خارجه که در جریان سفر میانجی‌گرانه به جمهوری آذربایجان، در همین زمینه با پرسش خبرنگار خبرگزاری آنا توتلی مواجه شد، بود آن را به شدت رد کرد. ولایتی خاطر نشان ساخت که این اتهام در جریان کنفرانس اسلامی از سوی اوزال با رفسنجانی در میان

برف سنگین در آستانه بهار



تهران سپیدپوش در آستانه بهار

ریزش نابهنگام برف سنگین در آستانه بهار بخش وسیعی از کشور را سپید پوش کرد. برف سراسر مناطق قریب، شمالی و مرکزی را فراگرفت. برف و بومن باعث قطع راه‌های شوسه گردید و ارتباط بسیاری از شهرها با دیگر مناطق

پیروزی استقلال بر پیروزی

تیم فوتبال استقلال تهران برای دومین بار طی چند هفته، طعم شکست را به حریف قدرتمند همشهری (پیروزی) چشاند. دیدار قبلی دو تیم که در چهارچوب قهرمانی باشگاه‌های تهران صورت گرفت و به تساوی کشیده شد، به قهرمانی تیم استقلال انجامید و یک شکست برای پیروزی به حساب آمد. اما دیدار اخیر دو تیم در روز ۱۵ اسفند برای استقلال با یک پیروزی واقعی همراه بود. استقلال این مسابقه را که در چهارچوب مسابقات قهرمانی باشگاه‌های کشور صورت گرفت ۲

هر که بامش بیش برفش بیشتر!

در آستانه انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، گروهی از کاندیداها برای انتخاب شدن فعالیت‌های گسترده‌ای را از دادن وعده و وعیدهای دروغ تا بخشیدن رشوه‌های کلان و هدایای رنگارنگ و سایر اقدامات "اسلامی" مشابه آغاز کرده‌اند. ابعاد اینگونه فعالیت‌ها چنان گسترده است که موضوع به مجلس شورای اسلامی نیز کشیده شده است. رسول موسوی نماینده اهواز در مجلس در سخنرانی پیش از دستور خود در این مورد گفت: "مآسافانه فعالیت‌های تبلیغاتی برخی از کاندیداها مجلس دوره چهارم بسیار مشمئزکننده و خارج از اخلاق و ساختار تبلیغاتی نظام مقدس جمهوری اسلامی است. رفتار بعضی از آنان با دادن شام و ناهارهای آنچنانی و وعده وعیدهای دروغ بزرگ و به زیر سوال بردن عملکرد مجلس و نمایندگان فعلی مجلس و بطور رسمی و غیر رسمی دادن پول کلان تحت عنوان هدیه به افراد ذینفوذ و موثر به تبلیغات تخریب مشغولند."

ناگفته روشن است که چنین شیوه تبلیغ و فعالیت در توان هر کاندیدایی نیست و آنهایی می‌توانند به چنین "تبلیغات موشی" دست بزنند که در طول سال‌های گذشته از برکت پست‌های دولتی و یا فعالیت‌های تجاری در بازار جیب‌ها انباشته‌اند و پشتشان نیز به جایی گرم است. خرج کردن برای اینگونه "تبلیغات اسلامی" در حکومت اسلامی بر پایه مثال معروف "هر که بامش بیش، برفش بیشتر" صورت می‌گیرد.

همده سهمیه ارزی

بخش صنعت صرف

صنایع مصرفی گردید

به گفته مهندس الویری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، دولت رفسنجانی همداست گسترش صنایع مصرفی را مدنظر قرار داده است. الویری که در دفاع از سیاست اقتصادی دولت سخن می‌گفت با اشاره به این حقیقت، متذکر گردید دولت رفسنجانی در این زمینه خلاف برنامه پنجساله عمل می‌کند. این برنامه دولت را موظف کرده بود بیشترین سرمایه‌گذاری را در بخش صنایع سرمایه‌ای و واسطه‌ای انجام دهد. در حالی که اکنون بیشترین میزان ارز به صنایع مصرفی اختصاص داده شده است.

تیم کشتی ایران دوم شد

تیم کشتی ایران در مسابقات جام دانکوف بلغارستان به مقام دوم رسید. سی و یکمین دوره این مسابقات که از مسابقات معتبر کشتی در جهان است - به مدت ۳ روز در نیمه دوم اسفند ماه برگزار شد. تیم کشتی ایران تنها در غرورن در این مسابقات شرکت کرد. و با ۲ مدال طلای خادم و ترکان، سه مدال نقره ذوالفقاری، ملاح و عباس جویدی و مدال‌های برنز شکری پور و قنبری در جای دوم ایستاد. بلغارستان میزبان مسابقات به مقام قهرمانی رسید و ترکیه سوم شد.

ایرانیان جویای کار در ژاپن سرگردان، بیکار و بی پناهند!

روزنامه های ایران گزارشات متعددی در مورد شرایط ناخوشایند زندگی ایرانیانی که در جستجوی کار راهی کشور ژاپن می شوند، منتشر می سازند. مطابق این گزارشات در حالیکه ایرانیان تا یکسال پیش "انگیزه های خوبی" برای مسافرت به ژاپن داشتند، و آن را امکانی برای استخدام و کسب درآمد نسبتا خوب می دانستند، در یکساله اخیر وضع به شدت به وخامت گرایده است. در ماههای اخیر بازار کار در این کشور کساد شده و ایرانیان جویای کار از روی استیصال در خیابانهای توکیو سرگردانند. کساد بازار کار در ژاپن، به رکود آغاز شده اقتصادی این کشور نسبت داده می شود. صنایع فول پیکر ژاپن نظیر "تویوتا" و "میتسوبی" حجم سفارشات خود به شرکت های کوچک وابسته را کم کرده اند. این شرکتها بیشترین تعداد کارگران خارجی را استخدام می کنند. به گفته مقامات دادگستری ژاپن اکنون حدود ۲۵۰ هزار کارگر خارجی، بدون در دست داشتن ویزای معتبر، در این کشور بسر می برند و این تعداد علیرغم کساد بازار کار رو به افزایش است. اتباع ایرانی که به امید یافتن کار به این کشور سفر کرده اند از زمره بی پناه ترین این کارگران خارجی می باشند. آنها در پارک "ونو" واقع در مرکز شهر توکیو سرگردانند و منتظر دلالان بازار کار روز را به شب می رسانند و شبهارانیز بر روی چمن این پارک می گذرانند.

یکی از این هموطنان که همسر و دو دخترش در ایران منتظرند تا وی پولی برایشان بفرستد، خطاب به آنها می گوید: "متاسف است که علیرغم مبلغ زیادی که برای مسافرت به ژاپن هزینه نموده، نمی تواند کمکی به آنها بکند، به گفته جوانان ایرانی خشونت پلیس و مقامات اداره مهاجرت نسبت به آنها در مراکز هموی و به ویژه فرودگاه ژاپن و سوء استفاده های غیر انسانی کارفرمایان ژاپنی، مشکلات دیگری است که علاوه بر پیدا نکردن کار، ایرانیان مقیم ژاپن رانچ میدهد. این وضع باعث شده است که طی ماههای اخیر بازگشت جویندگان کار از ژاپن به ایران ابعاد گسترده ای بیابد.

روزنامه های رژیم که در بازتاب وضعیت ایرانیان مسافریه ژاپن، و "دفاع" از اتباع ایرانی دست و دلبازی بسیاری به خرج می دهند، در مورد هلال این مهاجرت گسترده مطلقا کلمه ای نیز نمی نویسند. برعکس آنان به دولت ژاپن و اداره مهاجرت و پلیس این کشور می تازند تا هلال هموطنان مسافر به ژاپن را پرده پوشی کنند.

مشکلات ناشی از سرگردانی

هزاران جوان ایرانی جویای کار در ژاپن اخیرا منجر بدان شده که مقرر رفت و آمد بدون ویزا میان دو کشور ایران و ژاپن لغو گردد. جمهوری اسلامی مدعی است که این اقدام بر اساس توافق دو دولت و بطور موقت برای سه ماه صورت گرفته است. اما روشن است که این اقدام از سوی ژاپن و زیر فشار آن کشور صورت گرفته است.

در ایجاد شرایط ناگوار برای این دسته از ایرانیان، قبل از آنکه این مقصر و محکوم باشد، حکومت اسلامی مقصر و محکوم است. این رژیم با سیاستهای نادرست و ضد مردمی خود، با حاکم کردن گروهی چپاولگر بر کشور ما، ایران را در آنچنان بحران اقتصادی و اجتماعی فرو برده که مردم برای به دست آوردن لقمه ای نان بادشوار یجایی هر روز بزرگتر مواجه هستند و گروهی ناامید از گذران زندگی در کشور راه نجات را در کار - در واقع بیگاری - در کشورهای خارجی یافته اند. رژیم که به علت بی کفایتی های بیشمار خود از فرام کردن شرایط ابتدایی کار و گذران زندگی برای این عده ناتوان است، در دفاع از آنان در برابر سودجویی ها و خشونت های کشورهای میزبان نیز جز دلسوزی های ظاهری - هیچ اقدام اساسی انجام نداده است.

سال نو و تشدید مشکلات معیشتی مردم

بقیه از صفحه اول

آنها هم برسد باز هم در حدی نیست که بتوان آنرا اقدامی جدی از سوی دولت در ترمیم قدرت خرید کارگران و کارمندان تلقی کرد. میزان افزایش قیمت کالاها تنها در سال ۷۵ به مراتب بیش از میزان افزایشی است که هم اکنون دولت در حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان منظور کرده است.

با این همه بنظر می رسد همین اقدام حداقل نیز با اکراه و علیرغم میل باطنی دولت و تنها با در نظر داشت تورم مهار کسب خسته کنونی و حدت دیگر غیر قابل تحمل مشکلات معیشتی اکثریت جامعه ایران و نگرانی از پیامدهای سیاسی چنین وضعی، از نظر رفسنجانی بویژه آندسته از وزرا و متخصصان او که باتوصیه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بیشتر مهدلی نشان می دهند، این اقدامات، یعنی ترمیم بخشی از قدرت خرید حقوق و دستمزد بگیران، منجر به افزایش تورم می شود. دولت رفسنجانی مایل است توصیه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را تا به آخر اجرا نماید و در کنار واگذاری صنایع به بخش خصوصی و حرکت به سوی اقتصاد بازار آزاد، از پرداخت هرگونه سوبسید و ترمیم حقوق و دستمزد که بنا به عقیده اینان تورم زاست، امتراز نماید. کسانی چون محسن نوربخش وزیر اقتصاد و محمد حسین هادلی رئیس بانک مرکزی پنهان نمی کنند که با سوبسیدهای دولتی منظور شده در بودجه سال ۷۱ و نیز ترمیم حتی اندکی در قدرت خرید گروههایی از مردم مخالفند. اما از قرار معلوم در این کشمکش میان دولتمردان، واقعیات دهمشت فقر گریبانگیر قریب به ۹۰ درصد از مردم کشور و نگرانی از گسترش واکنش های اعتراضی مردم، کار خود را کرده و آنان را که بیشتر به سر نوشت حکومت می اندیشند واداشته تا به اقداماتی برای جلوگیری از خارج شدن کنترل اوضاع از دستشان، دست یازند. اما آیا این تدابیر موثر خواهند افتاد؟ همانطور که اشاره رفت تورم موجود تمام "رشته" های آقایی رفسنجانی در این زمینه را "پنبه" خواهد کرد. نرخ تورمی که در سال ۶۹ به گفته خود مسئولان رژیم ظاهر ۹ درصد بوده، در ماههای آخر سال ۷۰ به ۱۸ درصد رسید. بانک مرکزی این رقم را نه ۱۸ که ۲۷/۷ درصد اعلام می کند. تازه اینها ارقامی است که تنها مسئولان رژیم می توانند به آن دلخوش کنند. واقعیت سیر صعودی قیمتها و نرخ تورم به مراتب بیش از اینهاست. وقتی تنها در دو سه ماه پایانی سال نرخ برخی اقلام مصرفی تا دو برابر افزایش می یابد، صحبت از تورم ۱۸ یا حتی ۲۷/۷ درصدی جز خود گول زدن چیز دیگری نیست. حتی اگر اقدامات دولت در ترمیم درآمد حقوق و دستمزد بگیران موثر افتد، این گروهها شامل درصد کمی از مردم می شوند. نیمی از مردم کشور در روستاها زندگی می کنند و از این اقدامات دولت نصیبی نمی برند. هم اکنون فقر در روستاها بیداد می کند. به گفته خود مسئولان رژیم ۱۷ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند. شکاف طبقاتی تشدید شده و ۸۰ درصد ثروتمندان در دست ۲۰ درصد از اهالی

کشور متمرکز است. وضع از این بابت رور بروز خرابتر و فقر و فلاکت مردم بیشتر می شود. مشکل کجاست؟ دولت رفسنجانی توصیه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مبنی بر قطع مداخله دولت در امور اقتصاد و برقراری نظام بازار آزاد را تحت عنوان "سیاست های تعدیل اقتصادی" به اجرا گذاشته است. اما واقعیت این است که بازار آزاد و عدم مداخله دولت در امور اقتصاد شعاری است که پر حرارت ترین طرفداران آن نیز نتوانسته اند به آن عمل کنند. بازار آزاد، آزاد هیچ کجای دنیا وجود ندارد. بویژه برای کشورهای با اقتصاد عقب مانده و نامتوازن - و در مورد ایران کنونی باید صفت درهم شکسته را هم به آن اضافه کرد. دخالت دولت تا حدودی الزامی و اجتناب ناپذیر است. رفسنجانی اگر بخواهد در این زمینه گوش به توصیه های بانک جهانی بسپارد بزودی قایمیه را خواهد باخت. هیچ کشور و هیچ اقتصاد فلک زده ای در دنیا با نسخه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نتوانسته خود را از مصائب مشکلات برهانند. مشکل رشد جمعیت مصیبت دیگری است که مولود بی کفایتی زمامداران فعلی ایران است. به گفته مسئولان حکومت امکانات کشور جوابگوی تنها ۲۸ میلیون از جمعیت کشور است. از سال ۵۷ تا کنون بیش از ۲۰ میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده شده است در حالیکه در همین مدت نه تنها امکانات کشور برای تغذیه و تامین خدمات جمعیت خود افزایش نیافته، بلکه به اعتراف خود نمایندگان رژیم در آمد ناخالص ملی به نصف تقلیل یافته. با توجه به بنیه اقتصادی کشور اگر نرخ رشد جمعیت کشور بطور جدی مهار نشود، آینده به مراتب هولناکتری در انتظار مردم کشور ماست. این افزایش جمعیت بطور خود بخودی و خارج از اراده حکومتگران صورت نگرفته. آنگاه مایل بودند تعداد "الله اکبر گویان" افزایش یابد در برابر چنین وضعی مسئولند.

مصیبت دیگری که تقریبا از یکسال گذشته بدین سو دامنگیر مردم کشور ما شده خریدهای عظیم تسلیحاتی و هزینه های بسیار بالای نظامی است. کشوری که تنها در سال گذشته چیزی حدود ۱۵ میلیارد دلار درآمد ارزی آتیم از فروش نفت و گاز داشته و برای تغذیه ۳۰ میلیون نفر از جمعیت ۵۸ میلیونی خود محتاج واردات است، میلیاردها دلار صرف تسلیحات در همین یکسال می کند. بنابه گفته خود رفسنجانی هزینه های دفاعی منظور شده در بودجه سال ۷۱ بیش از ۲ برابر آن در سالهای جنگ است. این همه خریدهای تسلیحاتی برای چیست؟ امثال رفسنجانی این کار رژیم را با توجیهاتی نظیر "نیازهای دفاعی کشور" و "خالی شدن انبارهای ذخیره سلاح به هنگام جنگ" زنج و رجوع می کنند. اما کسانی چون محسن رضایی ابائی ندارند از اینکه مقاصد پنهان و پشت پرده حکومت اسلامی را عیان کنند. رضایی می گوید: هم اکنون موقعیت مناسبی بوجود آمده تا جمهوری اسلامی تبدیل به یک ابر قدرت اسلامی شود. اگر چنین بلند پروازیهای مضحکی حقیقت

اعتصاب در موسسه کیهان

روز شنبه ۱۲ اسفند گذشته کارکنان موسسه کیهان به خاطر خواست های رفاهی خود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب موجب شد که روزنامه کیهان با ساعت تاخیر انتشار یابد. کارکنان کیهان خواهان افزایش دستمزد و تغییراتی در مدیریت موسسه بودند. کارکنان برای اجرای خواسته هایشان ۲ روز مهلت دادند. مأموران انتظامی مستقر در کیهان به خبرنگاران و همکسانی که برای تهیه خبر رفته بودند، با خشونت رفتار کردند. خبر اعتصاب را نخستین بار روزنامه سلام به چاپ رساند. بدنبال انتشار خبر اعتصاب، شورای اسلامی کار موسسه کیهان ضمن صدور اطلاعیه ای تاکید کرد که اعتصاب کارکنان تنها جنبه صنفی داشته است و هیچ خواست سیاسی در بین نبوده است. این شورا در اطلاعیه مذکور وفاداری خود به نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه را مورد تاکید قرار داد. اما علیرغم انتشار این اطلاعیه معدی نصیری مدیر مسئول کیهان به شدت کارکنان اعتصابی را مورد تهنمت و ناسزا قرار داد. وی منکر اعتصاب شد و مدعی شد که: چند تن از عناصر مساله دار و شناخته شده شایع کرده بودند که قرار نیست به کارکنان مساله نروروزی داده شود و همین سبب موجب دلخوری پرسنل شده بود. همین افراد و سو شبیه برای جمع کردن افراد و سوء استفاده از تجمع آنها، شایع کردند که قرار است در حیاط موسسه سکه داده شود و پرسنل هم به این تصور در حیاط جمع شدند که پس از مدتی با حضور سرپرست محترم موسسه کیهان در جمع افراد و شنیدن حرف های آنها و

توضیح تلاشهایی که برای تهیه سکه شده بود، مساله خاتمه یافت و افراد مجددا به سر کارهای خود بازگشتند!

اطهارات توهین آمیز مدیر مسئول کیهان، اعتراض مجدد کارکنان این موسسه را برانگیخت. جمعی از اعضای تحریریه کیهان در تماس با یکی از روزنامه ها به این اظهارات شدیداً اعتراض کردند و فاش ساختند که: اولاً اعتراض ربطی به سکه نداشته و ثانیاً مدیر مسئول کیهان کلیه اعضای تحریریه را تعدید کرده که اگر با کارگران همصدا شوند همه را به کارگزینی معرفی و اخراج خواهد کرد.

روزنامه سلام که خبر اعتصاب را درج کرد مورد حمله شدید برخی روزنامه ها و از جمله مدیر مسئول کیهان قرار گرفت. سلام

تظاهرات در برابر مجلس

فارغ التحیلان و بهداشتکاران دهان و دندان به عدم اجرای قانون "تربیت بهداشتکاران" معترضند. معترضین که جمعی از آنها از شهرستانها به تهران آمده و با آوردن پتو و زیرانداز در مقابل مجلس شورا تجمع کرده بودند، خواهان رسیدگی به خواسته هایشان شدند. دانشجویان در روز ۱۹ اسفند به یک راهپیمایی اعتراضی از مقابل مجلس شورای اسلامی تا وزارت بهداشت و درمان و آموزش عالی دست زدند. تعداد راهپیمایان بیش از هزار نفر گزارش شده است. مطابق قانون "تربیت بهداشتکاران" قبولشدگان این رشته باید مدت ۶ سال در مناطق

روستایی خدمت نمایند. پس از طی این دوره آنها می توانند در صورت قبولی در امتحان، در دانشکده های دندانپزشکی ادامه تحصیل دهند.

دانشجویان می گویند با توجه به اتمام تعداد خدمت فارع التحیلان دوره اول، هیچ اقدامی در جهت ادامه تحصیل آنها صورت نگرفته است. دانشجویان وزارت بهداشت را مسئول اجرای قانون فوق می دانند، اما به گفته آنان مقامات این وزارتخانه عدم اجرای قانون را متوجه نواقص طرح و در نتیجه مربوط به مجلس می دانند و دانشجویان را سر می دوانند.

مصاحبه نشریه کار با رضا مرزبان

رونق مبارزه فرهنگی، جلوه‌ای از تحرك اجتماعی است!

آقای رضا مرزبان از چهره‌های سرشناس در جامعه محلی و خواهان آزادی است که به نشر افکار آزادیخواهانه و ترقیخواهانه در کشورمان کوشش‌های شایسته کرده‌اند. نشریه کار چندی پیش با مراجعه به آقای مرزبان، از ایشان درخواست کرد که سؤالاتی چند پیرامون برخی مسایل مطروحه در جنبش فرهنگی و سیاسی و دموکراتیک میهن را پاسخ‌گویند. آنچه که در زیر نظر خوانندگان می‌گذرد، پاسخ‌های آقای مرزبان به پرسش‌های نشریه کار است.

پرسش: آقای مرزبان با تشکر از شما بخاطر قبول دعوت ما برای گفتگو، اجازه بدهید صحبت را با مکتب روی جنبش فرهنگی در کشور آغاز کنیم، بنظر شما هلت نضج این جنبش در ابعاد چینی گسترده چیست و چشم‌انداز این جنبش را با توجه به اینکه بهر حال در زیر سر نیزه استبداد و مقابله استبداد پیش‌میرود، چه می‌بینید؟

پاسخ: جنبش فرهنگی برخاسته در داخل به نظر من، امری طبیعی است و طبیعی تر آنست که از این بیشتر پروبال باز کند. هر استبداد و اختناق و تبعیض، ضد خود راه درون خویش پرورش می‌دهد؛ این تجربه‌ی است که استبداد دینی و استبداد سیاسی، در طول تاریخ پیوسته تکرار کرده است و از آنجا که هر مستبد و متجاوز، برای تجاوز خویش به حقوق جامعه، رسالت و حقانیت قائل است، تا لحظه سقوط طرز و ال هم باور نمی‌کند که دارد ضد خود را در بطن خویش پرورش می‌دهد. و با هر خشم و سرکوبگری که نشان می‌دهد، زمینه پرورش خودش را بیشتر فراهم می‌سازد.

پس از ۲۸ مرداد نیز، ما در ایران، شاهد چنین تحول و تبلوری بودیم. می‌دانید که کودتای ۲۸ مرداد، در خدمت به هدف‌های اقتصادی و سیاسی خود هیاتی ضد روشنفکری داشت و تا آخرین روزها نیز در سرکوب روشنفکران، چیزی را فرو نگذاشت؛ اما جنبش روشنفکری زیر همان فشارها و سرکوب‌ها راه را باز و هموار می‌کرد.

گره کار استبداد دینی مستولی بر ایران، بسیار پیچیده‌تر از گره استبداد شاه است. این استبداد، بنابر ماهیت خود، آزادی و اختیار آدمی، از بن بیگانه است. و بحث از آزادی راجع الحادی می‌شناسد. و بنابر ماهیت خود، با تمام دستاوردهای اجتماعی و حقوق فردی در تضاد است. در همین حال، چنین

انگیزه شده‌اند، برای خود حقوقی می‌شناسند، حق فرهنگی، از این شمار است. ۲- انبوه جوانان سابق، که با حال و هوای انقلاب، به سیاست و تشکل کشانده شده بودند، یا در خانواده‌های روشنفکری پرورش یافته بودند، زیر سلطه اختناق به مفر فرهنگی رو آورده‌اند. ۳- روشنفکران حاشیه‌گزين سابق، در شرایط جدید، بیشتر مجال حضور در فضای فرهنگی پیدا کرده‌اند. ۴- توسعه و وسایل ارتباط اجتماعی، که از دهه آخر دوران شاه رونق یافت، عامل مهمی در رونق حرکت فرهنگی است. ۵- محدودیت‌های سانسور آخوندی حاکم بر وسایل ارتباط اجتماعی، و بر زندگی اجتماعی، نیز خود زمینه مناسبی برای ترویج فرهنگی، در زمینه ادبیات و فرهنگ مکتوب، فراهم آورده است. ۶- امواج رادیویی و مطبوعات جهان، در تقدیه این حرکت فرهنگی، بی‌تاثیر نیست. ۷- مبارزه‌ی که استبداد دینی با موج خودروی فرهنگی می‌کند، خود راه شکل گرفتن و روی پایستادن این موج را، به عنوان یک خاستگاه و سکوی پرتاب مطالبات سیاسی و اجتماعی می‌کوبد و هموار می‌کند؛ و به آن توان درگیری و رویارویی اجتماعی با اختناق و استبداد، می‌بخشد. درگیری و رویارویی که در آن، کهنه و پوسیده، به روی نو و تازه، شمشیر کشیده است.

اما، اینکه جهت این حرکت فرهنگی چه خواهد بود، بستگی مستقیم به نهاد جامعه‌ی دارد که پس از انقلاب در ایران شکل گرفته است. و این جامعه را، منصفانه می‌پذیرم که من، نمی‌شناسم، به دلیل آنکه به زودی چهارده سال می‌شود که از ضربان قلب آن بدورم. سه سال در مخفی‌گاه‌های پراکنده در تهران، و ده سال، در خارج، و مجموعه اطلاعات و آگاهی‌های من برای برآورد سیر آینده و جهت‌گیری‌های حرکت فرهنگی کنونی، کافی نیست. ولی این را به روشنی احساس می‌کنم که جامعه بعد از انقلاب، دارد استقلال خودش را در برابر استبداد دینی، پرورش می‌دهد و حرکت فرهنگی، با هر نوع جهت‌گیری و چنانکه گاهی احساس میشود، با تنوع جهت‌گیری - مستقیم در راستای رستخیز سیاسی جامعه پیش خواهد رفت. بیشتر کسانی که در این حرکت حضور دارند، ندی آنکه متوجه نقش خویش باشند، با جریان پیش می‌روند و جریان را نیز پیش می‌برند، و سرنیزه‌ها را کند می‌کنند. رونق مبارزه فرهنگی از زمینه‌های مستعد بیداری و تحرك اجتماعی تغذیه می‌کند و یکی از جلوه‌های آنست.

جامعه بعد از انقلاب، دارداستقلال خودش را، در برابر استبداد دینی، پرورش می‌دهد و حرکت فرهنگی، با هر نوع جهت‌گیری، و چنانکه گاهی احساس می‌شود، با تنوع جهت‌گیری - مستقیم در راستای رستخیز سیاسی جامعه، پیش خواهد رفت.

پرسش: ما اکنون با استقبال بخش‌های هر چه بیشتری از جامعه ایرانی با کار مطبوعاتی رو برو هستیم و می‌دانیم که این امر هم، اساسا دلایل سیاسی دارد. می‌خواستیم نظر شما بعنوان یک روزنامه نگار مجرب و قدیمی را در این رابطه بدانیم. بنظر شما این کارزار از چه مختصاتی برخوردار است و آيا می‌توان مطبوعات موجود را بنا به رسالتی که در پیش گرفته‌اند طبقه‌بندی کرد یا نه؟

پاسخ: اگر منظور تان مطبوعات داخل ایرانست، باید هر ض کنم هنوز روزنامه نویسی ایرانی، فضای نفس کشیدن ندارد. مقایسه روزنامه نویسی امروز، با روزنامه نویسی دوران شاه، - یک دوران سیاه با دوران سیاه دیگر- فقط در خور اداره کنندگان سیاست مطبوعاتی رژیم است. مطبوعات ایران، دوران کوتاهی (از نخست وزیر شریف امامی تا پایان مرداد ماه ۱۳۵۸) مجال پیداکرد، ریه‌هایش را از هوای آزاد پر کند. دورانی که به تزلزل حاکمیت اختصاص داشت، و پیش از آنکه به تنفس در هوای آزاد عادت کند، هجوم سیاه فاضبان جدید حکومت، هر نوع آزادی را از میان برد.

طلوع چند نشریه هنری یا فرهنگی، نشانه وجود هیچ نوع آزادی مطبوعاتی در ایران نیست و دست اندر کاران این نشریه‌ها بیشتر تجربه اندوختگان مطبوعاتی سیاستی کج‌داز و مرزب دوران گذشته هستند. مطبوعات، در دوران سانسور، پیوسته نمایندگان خاص خود را دارد که باید انصاف داد نقش دشواری در برخورد با اختناق و با افکار عمومی ایفا میکنند. و عبت نیست معمولا نبوغ مطبوعاتی در دوران سخت اختناق و سانسور ظهور میکند. اما روزنامه نویسان دوران اختناق و سانسور با روزنامه نویسان دوران آزادی، متفاوت هستند.

در شرایط آزاد، بیشتر این دستها و نامها، جای خود را به نام‌ها و دستهای تازه خواهند داد. اما واقع امر این است که در شرایطی چون امروز ایران مطبوعات هم که جنبه تخصصی دارند، بنابر خلصت معین اجتماعی، بطور عام از یک صیفه سیاسی برخوردارند، صیفه سیاسی تلاش برای حضور در هر صیفی که از آن منع شده‌اند، البته در این میان طی یک سال گذشته، با همیق شدن شکاف درونی حاکمیتی مذهبی، و سر باز کردن اختلافات جناح‌ها، و نشر چند روزنامه سیاسی مخالف جناح دولت، چشم انداز باز شدن راه برای روزنامه‌های سیاسی همومی نیز متناسب با شرایط اجتماعی، پیدا شده است، چیزی که در مرحله آینده نگرى است و هنوز از تحقق یافتن بدور است.

مطبوعاتی نظیر آدینه و... در واقع امروز نقشی را ایفا میکنند که "جنگ"ها و فصلنامه‌های پس از

سال‌های ۳۵ و ۳۶ به عهده داشته. و چنانکه پیداست؛ از نشر روزنامه‌هایی نظیر سلام و... که به جناح شریک حکومت تعلق دارند، تا آزادی مطبوعات، راه دوری فاصله است. هنوز در ایران، به "نقض آزادی" که در چند سال اول، شریک حکومت جدید و از پایه گذاران آن بوده است حد گذار همان محدوده جاری- مجال نمی‌دهند که روزنامه و دبیرخانه و تشکیلات داشته باشد.

از سوی دیگر، در داخل سازمان‌های متعدد تفتیش و سانسور حکومتی، و بیرون از این سازمان‌ها، در تشکیلات ذی‌نفع وابسته به حکومت، سیستم‌های گوناگون تفتیش شدید اخبار و مقالات و گزارش‌های سیاسی - فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که دائم در کار پرونده سازی برای دست‌انکاران مطبوعات حتی در حد فعالیت بسته کنونی - برای پی‌زنی و ردگیری حرکات اجتماعی خود جوش است.

در چنین شرایطی از فشار، طبقه‌بندی مطبوعات موجود در ایران، بر مبنای هویت سازی برای آنها، از احتیاط بدور است؛ اینقدر می‌توان گفت که تمایل‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی که از سابق در جامعه ریشه داشته‌اند، در حرکت مطبوعاتی روز نیز حضور دارند و تنوع دیده‌ها و افتخا محسوس است.

ستم بزرگ تاریخی حاکمیت روحانی، بر مردم در ایران، ریشه کنی بنیادهای صغی و سیاسی است که بار دیگر تمام راه‌ها را که می‌رفت کوبیده شود، محو کرده است. و این در شرایط سیاسی جدید منطقه، برای ایران، فاجعه‌ی است. جامعه‌ی که در آن سندیگاهها، اتحادیه‌ها، احزاب، انجمن‌ها و کانونهای ریشه‌دار و تجربه اندوخته وجود نداشته باشند، ظرفیت تحمل آزادی را هم پیدا نخواهد کرد. و هر بار، راه میان بر آوار می‌شود. برای پی‌زنی که پیوسته در پیچ‌بندی، به دیکتاتوری و استبداد می‌رسد.

پرسش: شما در جریان تلاش برای انتشار یک نشریه دموکراتیک چه می‌تواند در سیمای غیر حزبی انتشار یابد، قرار دارید. فکر می‌کنید که چگونه می‌توان به این موفقیت رسید و به پایداری چنین نشریه‌ای اطمینان داشت؟

پاسخ: تاسیس یک نشریه دموکراتیک چه، در خارج از کشور، که مستقل از سازمان‌ها کار کند، یک ضرورت است. ضرورتی که از ده سال پیش به آن عقیده داشته‌ام. البته، جواب این ضرورت را، سازمان‌ها و احزاب چه نمی‌توانند بدهند، ولی نقش آنها در انتشار این روزنامه می‌تواند تأیید آمیز و تقویت کننده باشد. چنین روزنامه‌ی که کادر آشنا به حرفه روزنامه‌نویسی و به سازماندهی نشر و پخش، و به سرمایه اولیه نیاز دارد، و سپس قبول هم انبوه ایرانیان آزادیخواه و مترقی که سازمان‌های چاپ و دموکرات نیز، در ردیف آنها قرار دارند.

در نخستین سال‌های آغاز آوارگی ایرانیان، سازمان‌های چاپ که دچار بیماری دوران کودکی بودند، ضرورت پی ریزی چنین نشریه‌ی را حس نکردند و هر کدام به نوبه، تأثیر منفی روی این کار گذاشتند؛ ولی طی سال‌های بعد پیوسته احساس شد

که جای چنین روزنامه‌ی در میان طیف وسیع مدافعان دموکراسی و حاکمیت مردم؛ خالی است؛ روزنامه‌ی که می‌تواند در بسیج و هماهنگ کردن طیف فعال و پرتوان، اما پراکنده چه نیز نقش همده داشته باشد.

کسانی که شور و شوق تاسیس چنین نشریه‌ی را داشتند، در شرایطی ایران را ترک کرده بودند که هر نوع امکان، از آنها سلب شده بود، و در میان ترقیخواهان ایرانی مقیم خارج نیز کسانی که توانایی مالی این کار را داشتند، جای پرداختن به ایجاد چیزی که وجود نداشت، امیدوارانه، دل به سازمان‌ها و تشکیلات متواری از ایران بستند و اگر کمکی داشتند به آنها کردند. و در آن واحد صدها نشریه چاپ، در اروپا و امریکا منتشر شد، که کار کرد مجموعه آنها، در خور سنجش با وجود چنین نشریه‌ی نیست.

***پی ریزی اتحاد صیب در ایران، کار بارز شی است اما ضرورت زمانی، حکم می‌کند که چه‌ها، ابتکار فراواندن تمام دموکرات‌ها و ترقیخواهان ایرانی را، برای تشکیل جمعه دموکریخواهان، یا جمعه حاکمیت مردم، بدست گیرند.**

چند سال است که می‌دانم گروهی از سازمان‌های چاپ، به اهمیت وجود روزنامه‌ی مستقل از سازمان‌ها و تشکیلات طیف چاپ، و نماینده اندیشه و برنامه‌های اصلی و عمده آنها، پی برده‌اند و هلاقه دارند این خلا را پر کنند، البته، راه عملی این کار، اتحاد آنها برای ایجاد روزنامه‌ی مشترک بین چندین چندین سازمان نیست. روزنامه طیف چاپ، باید در درون این طیف، اما خالی از وابستگی‌ها و تعلقات یک یا چندین سازمان، تاسیس شود. برای این تاسیس ۱- کسانی از معتقدان به اصل حاکمیت مردم در ایران، که تمکن دارند، به اندازه ثروتمندان مذهبی که به مالاها خمس و زکوة می‌دهند، یا ثروتمندان مقیم خارج، که در راه زنده کردن مجدد سلطنت، پول خرج می‌کنند، حاضر به گذشت هستند، باید پیشقدم شوند و سرمایه‌ی بی این کار اختصاص بدهند. و حساب داد و ستد با جمهوری اسلامی، یا رابطه با سلطنت طلبان، آنها را به محافظه‌کاری باز ندارد. ۲- کسانی که برای این تاسیس انتخاب می‌شوند، با صراحت هدف‌های روزنامه را که بطور مشخص در مقابله با حاکمیت روحانیت، و نیز با تجدید حیات سلطنت و بر محور استقرار حاکمیت مردم است، اعلام کنند. ۳- روزنامه بر مبنای دادن بیشترین اطلاعات و دانایی‌ها درباره مسائل و شرایط و تحولات جهان و ایران، سازماندهی شود. ۴- زبان روزنامه، زبانی سالم، زنده، خالی از پر خاش باشد. ۵- روزنامه راه ایجاد اتحاد عمل تمام نیروهای آزادیخواه و دموکرات را، در خارج از کشور، هموار سازد. و تمام پراکنده شدگان "سقوط برج بابل" را به گرد اصولی که کمتر از اعلامیه حقوق بشر و مصوبات مجامع عمومی سازمان ملل و یونسکو در زمینه آزادی‌ها و حقوق انسانی و مردمی نباشد، فرا خواند. موجی که اینگونه برانگیخته میشود، تأثیر جدی در وقایع ایران و در حرکت مردم ایران برای پس گرفتن آزادی و حاکمیت خویش، از فاضبان خواهد گذاشت.

اما اینکه چنین روزنامه‌ی آيا شناس تداوم بدست خواهد آورد، پاسخش دشوار نیست، اگر ضرورت انتشار روزنامه‌ی با این کیفیت و مستقل از سازمان‌ها و تشکیلات، احساس می‌شود این ضرورت خود به منزله ضمانت لازم و کافی برای تداوم انتشار روزنامه است. و روزنامه، تنها در صورتی از پراپرا خواهد افتاد که گردانندگان آن، از خط و مرز ضرورتی که انتشار آن را ایجاب کرده است، قدم بیرون بگذارند و به چاپ و راست منحرف شوند.

پرسش: اجازه بدهید یک پرسش دیگر را که به هر حال مطرح است، عنوان کنیم. صحبت از پیدا کردن اشکال مناسب همکاری شخصیت‌ها و افراد دموکرات و ترقیخواه است. شما چه اشکالی را که بتواند حداکثر دوام و انعطاف را داشته باشد پیشنهاد میکنید؟

پاسخ: گمان می‌برم تازیان زمانه باید تمام مسئولان و سازماندهان گروه‌های سیاسی ایرانی را در خارج، هشیار کرده باشد و به آنها هشدار داده باشد که دیگران جدا از خودشان رانیز متناسب با خودشان به حساب بیاورند. پیش از این راه و رسم چنان بود که سازمانی، خودش را محور می‌شناخت و دیگران را گرد خود جمع می‌کرد. و در عمل از آنجا که مایه‌ی بقیه در صفحه ۷

درباره اوضاع جهان و سمت تحولات آن

علوی (امین)

اخیرا نوشتاری به شکل تیز گونه از آقای امین...
 علوی دریافت کردیم که حاوی جمع دست نوشته
 ایشان در باره اوضاع جهان و چشمگیری تحولات
 آنست. به اعتقاد ما، محتویات این نوشتار میتواند به
 امر بحث های خلاق در میان نیروهای چپ و دموکرات
 کمک و به گوشه های محشرک برای تمهید به پیشرو
 متمدنهای مشترک هر برخورد با مسائل جنبش یاری
 برساند.
 این نوشتار در دو شماره نشریه کار درج میگردد
 که بخش اول آن در این شماره و بخش پایانی آن در
 شماره بعدی چاپ میشود.

پس از جنگ جهانی دوم آمریکا با توان اقتصادی و
 سیاسی برتر خود وارد مرصه شد و با تجدید سازمان و
 کنترل اقتصاد جهان بویژه با ایجاد نظام مالی-پولی
 جدید (شبکه: بانک جهانی- صندوق بین المللی پول -
 موافقت نامه عمومی تعرفه گمرکی و بازرگانی) به
 ابر قدرت اقتصادی-سیاسی- نظامی تبدیل گردید.
 این توسعه طلبی با تجاوزات نظامی و اعمال سلطه
 فرهنگی-ایدئولوژیک توأم بود.
 پیروزی انقلاب اکبر و تاسیس اولین نظام
 سوسیالیستی و سپس گسترش آن بصورت یک
 سیستم، قطب جدیدی را در برابر قطب امپریالیستی
 ایجاد کرد. اگر چه هم از نظر ایدئولوژیک و هم از
 جنبه اهداف سیاسی قطب سوسیالیستی بر نجات بشر
 از استثمار و استثمار تکیه داشت اما هملا در دایره
 همان الزاماتی قرار گرفت که تمدن صنعتی دیکته
 می کرد. الزاماتی چون اتکا بر نظام پولی جهان،
 جدایی تولید از مصرف، استفاده از بازار و منابع
 جهانی مواد خام و نیز اتکا بر اقتصاد سازمان یافته
 بازار جهانی.

در مرصه سیاسی و نظامی نیز ضرورت تحقق
 اهداف استراتژیک و ایجاد حفظ توازن نظامی با
 امپریالیسم، سوسیالیسم را نیز درگیر روندهای
 مشابه با قطب مقابل کرد. دو قطب بندی عمده جهان
 پاپایی سازماندهی اقتصاد بین المللی بر محور نیازها،
 سیاستها و اهداف سیستم خود، قدرتهای سیاسی و
 ایدئولوژیک متناسب با این اقتصاد را نیز در سراسر
 جهان بوجود آوردند و هملا هر قطب سیستمها و
 حکومتی همخوان با الگوی خود را حمایت کردند.
 قطب سوسیالیستی بنابه مجموعه دلایل
 اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک (که در بحث مربوط
 به آن توضیح داده شده) فرو ریخت. قراین علمی
 بیانگر آنست که قطب امپریالیستی نیز دوام طولانی
 نخواهد داشت. زیرا مرحله ای از تمدن که بر بسترن آن
 قطب بندیهای مورد نظر شکل گرفت (تمدن صنعتی)
 روبه افول است و نظامی تازه بر جهان مستقر خواهد
 شد. شواهد عمده این ناپایداری از هم اکنون رخ
 نموده است. قطب امپریالیستی با بحران داخلی و
 خارجی دست به گریبان است. رشد اقتصادی (به هر
 قیمت و با هر درجه از خشونت) که موتور محرک
 تمدن صنعتی و قطبهای زاغه آنست بخاطر کاهش
 مواد خام و منابع کلاسیک انرژی و ناهمخوانی آنها با
 مقتضیات جدید تولید، همچنین فرسایش
 تکنولوژیهای موجود، اشباع بازارهای فراملی و
 افزایش تورم و بیکاری نمی تواند ادامه یابد.
 سیستمها و استراتژیهای سیاسی موجود نیز
 پاسخگوی نیازهای ژئوپولیتیک معاصر نیست.
 ثقلها و جاذبه های جدید اقتصادی سیاسی (بازار
 مشترک اروپا- اقتصاد ژاپن- اتحادیه های اقتصادی
 منطقه ای و بین منطقه ای- پارلمان اروپا- تقویت
 نقش سازمان ملل متحد و سایر مجامع بین المللی)
 نطفه های آلترناتیو ابر قدرت امپریالیستی اند. خود
 آمریکا (ایالات متحده) با تضادهای تشنه ای درونی از
 جمله رشد نامتوازن اقتصادی، تورم و بیکاری شدید
 و جدایی خواهی های سیاسی رو به گسترش دست به
 گریبان است. فدرالیسم آمریکایی را بحران همه

صنعتی بودند، بلکه بر پایه علوم کاملاً مدرن نظیر
 فیزیک هسته ای، علوم فضایی، الکترونیک کوانتومی،
 زیست شناسی ملکولی، تئوری اطلاعات و سیستمها
 و... حاصل گشته است. پیشرفت در این رشته از
 علوم نه تنها پایه ریزی تکنولوژی و صنایع فوق مدرن
 نظیر کاربردهای حیرت انگیز کامپیوتر و ربات،
 فضا نوردی، پتروشیمی پیشرفته و مهندسی ژنتیک را
 در کشورهای پیشرفته صنعتی موجب گشته، بلکه
 افق های تازه ای برای کاربرد علوم و صنایع در جوامع
 عقب مانده، متناسب با نیازهای آنها و بدون
 وابستگی های اسارت آور به قدرتهای صنعتی بزرگ را
 پیش روی بشر قرار داده است. پیشرفت علوم و صنایع
 امکان بهره برداری از منابع جدید انرژی مانند
 هیدروژن، آب، خورشید، حرارت زمین و موادی آلی
 را فراهم کرده و به نگرانی مربوط به پایان پذیری
 منابع فسیلی (نفت-گاز-ذغال سنگ...) پایان داده
 است.

مرحله جدید رشد نیروهای مولده دگرگونیهای
 همیتی در ساختار زندگی فردی و اجتماعی بشر
 بوجود آورده و مرصه های مختلف تولید، مصرف،
 ساعات کار، آموزش، فرهنگ و هنر، زندگی
 خانوادگی، تفریح و تفریح را تحت تاثیر قرار داده
 است. ساختار طبقاتی جوامع و نقش سیاسی و
 اجتماعی اقشار و گروه بندیهای مختلف را متحول
 ساخته و ضرورت ایجاد نهادها و ساختارهای سیاسی و
 فرهنگی بکلی متفاوتی را مطرح کرده است.
 ۲- یکپارچگی و بهم پیوستگی همه جهان و
 سرنوشت مشترک بشریت
 هم توسعه و پیشرفت برق آسای علوم و صنایع، هم
 تکامل و درآمیزی فرهنگهای مختلف و هم خطرات و
 نگرانیهای مربوط به ضایعات، عقب ماندگیها و
 مضایب جامعه بشری، درک از جهان بمثابة یک کل
 واحد و مسئولیت مشترک همه انسانها در قبال
 سرنوشت آنرا از یک آرزوی نیک خواهانه به سطح یک
 واقعیت انکار ناپذیر روزمره ارتقا داده است. با
 انقلاب در ارتباطات و پوشش مجموعه جهان با
 شبکه های ارتباطی و خدمات اطلاعاتی وسیع، دیگر
 برای هیچ گوشه ای از جهان انزوا و جدایی سرنوشت
 نمی تواند مطرح باشد. رشد فول آسای جمعیت،
 اشباع بازار رقابتی فراملی، بحران انرژی و مواد
 خام، خطر نابودی جمعی در اثر جنگ های بزرگ،
 آلودگی محیط زیست و مهاجرت های مهار ناپذیر،
 در حقیقت زمین و آسمان مستقل برای هیچ کشور و
 دولتی باقی نگذاشته است. آمارها حاکی از آنست که
 طی ۳۵۰-۴۰۰ سال دوره تمدن صنعتی بخش
 عظیمی از مخازن زیر زمینی، جنگل ها و سایر منابع
 طبیعی که در طول میلیاردها سال روی زمین ذخیره
 شده بصرف رسیده و ادامه این وضع چشم انداز
 هولناکی برای زندگی نسلمای آینده بشر ترسیم کرده
 است. چن با مشارکت همه مردم جهان نمی توان
 آینده را نجات داد. همین واقعیت بشر را پیش از پیش با
 این انتخاب روبرو ساخته است که یا نجات همه جهان
 و مجموعه تمدن بشری و یا سقوط نابودی همه کس و
 همه چیز. در عصر ما جهان تنگ تر از آنست که انسانها
 به سرنوشتی جداگانه بیندیشند.

۳- روند افول و اضمحلال قطب بندیهای بزرگ
 جهان و شکل گیری ثقلهای متعدد اقتصادی-سیاسی
 از ویژگیهای دوران تمدن صنعتی بویژه سده
 اخیر شکل گیری قطب بندیهای بزرگ سیاسی،
 اقتصادی و نظامی است که در مجموع محصول
 پروسه ایجاد و تشدید تضادهای این مرحله از تکامل
 جامعه بشری بودند. اگر چه قطب بندی در شکل
 استقرار امپراطوریه در دیگر مراحل تاریخی نیز
 وجود داشته اما در شرایط کنونی و ناپیوستگی
 تمدنها بوده و در هیچ مرحله ای مانند دوران کنونی
 این قطب بندی به تقسیم خشن جهان به اردوگاههای
 متخاصمی که همه روندها و تحولات عمده در سراسر
 گیتی را در دایره تاثیر خود گرفته باشند نیانجامیده
 است. این قطب بندی ناشی از الزامات گسترش و
 تحکیم اقتصاد ملی و فراملی و انسجام اقتدار سیاسی
 نگاهبان این اقتصاد بود که بر رویهم مختصات تمدن
 صنعتی آنرا ایجاد می کرد. قطب امپریالیستی
 (اروپایی-آمریکایی) بر پایه استعمار نو و
 بیرحمانه ترین شکل استثمار انسان و خشن ترین نوع
 بهره برداری از طبیعت شکل گرفت. قارت میلیاردها
 تن مواد خام و مواد غذایی از کشورهای عقب مانده،
 انتقال نیروی کار روستاها به کارخانه، تقسیم کار
 نامعادلانه بین المللی و تحمیل اقتصاد تک محصولی به
 مستعمرات، ایجاد بازار جهانی بر اساس صدور کالا و
 سپس صدور سرمایه و تکنولوژی، ابتدا اروپا را
 بصورت قدرت بزرگ اقتصادی-سیاسی در آورد.

رونق مبارزه فرهنگی، جلوه ای از تحولات اجتماعی است!

ثروت مندانه نو کبسه جدید هم پیوندهای قدیمی آنها
 متکی است، و جناحی که نقش اقلیت را به عهده گرفته
 است، با آنکه فارتگران و آدمکشان سرشناس در اس
 آن قرار دارند، به مطالبات و توقعات خرده
 بورژوازی بدنه حکومت تکیه زده است و میکوشد
 نیروهایی از این دست را که در سپاه و بسیج و کمیته
 ها و دیگر ارگانها باقی مانده اند، و از شرایط موجود
 نیز راضی نیستند، نمایندگی کند. به یقین، این بازی
 هر اندازه هم که جدی شود، خود گریهی از مشکلات
 اساسی ایران، که مستقیم به ساختار حکومت بر
 می گردد باز نخواهد کرد. و جناح مدعی درون
 حکومت پس از رسیدن به قدرت، راهی جز آنچه در
 سالهای اخیر طی شده، در برابر نخواهد داشت.
 گره ساختاری حاکمیت ملاحظه شده طلبی و ذوق
 کشورگشایی مذهبی است که برای منطقه و جهان
 هلاکت سئوالی است و برای مردم ایران، مایه خطری
 دائم.
 اما، طبقه اجتماعی رشد یافته در انقلاب، که
 بدنی از آن طعم حکومتگری را هم چشیده است؛
 خرده بورژوازی بورژوا شده یا خرده بورژوا مانده،
 دیگر تحمل نقصانهای ساختاری حکومت ملاحظه را
 ندارد، و برای سبک کردن شان از زیر بار آنها، آماده

جانبهای فرا گرفته است. بی دلیل نیست که آمریکاکه
 زمانی با اندک فشار دیپلماتیک اراده سیاسی و
 اقتصادی خود را اعمال میکرد، اکنون دمدام به
 خشن ترین وسیله اعمال سلطه (لشکر کشی هریان)
 روی آورده است. با این حال نباید فراموش کرد که
 پروسه افول همه قطب بندیهای بزرگ نه ساده و نه
 سریع است، اما در دستور کار مرحله جدید تمدن
 است.
 ۴- تمرکز زدایی مثبت و دموکراتیزه شدن
 مرصه های مختلف زندگی

هم انقلاب در علم و تکنولوژی، هم یکپارچگی و
 بهم پیوستگی جهان و هم افول قطب بندیهای بزرگ،
 روند همه جانبه تری را تقویت می کند که آن تمرکز
 زدایی مثبت و گسترش دموکراسی در همه مرصه های
 حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر
 است.
 تمرکزگرایی به شکل کنونی از آن خصایص دوران
 انقلاب صنعتی در اروپا و سپس شکل گیری قدرتهای
 امپریالیستی بود. تشکیل حکومتی ملی ضرورت
 اجتناب ناپذیر رشد و نیرومندی اقتصاد ملی بود که به
 جغرافیای سیاسی جهان شکل جدیدی داد. تولید
 انبوه در نظام صنعتی مستلزم تمرکز در استخراج و
 توزیع مواد خام و انرژی، بسیج و گسیل متمرکز
 نیروی کار، ایجاد بازار واحد و متمرکز، نظام
 آموزشی متمرکز، نظام پولی و بانکی متمرکز و در
 نهایت هدایت سیاسی متمرکز یعنی ایجاد دولتهای
 قدرتمند مرکزی بود. این تمرکزگرایی در دوران
 خود و در قیاس با اقتصاد ضعیف و نامتمرکز قومی و
 روستایی، روندی مترقی و پاسخگو به ضرورتهای
 سیر تکاملی جوامع بشری بود که در نهایت تمدن
 عصر ما را بوجود آورد. اما این تمرکزگرایی در عین
 حال هویت فردی و ملی انسانها راندا دیده گرفت و
 مقتضیات و ارزشهای فرهنگی را با خشونت تابع رشد
 متمرکز اقتصاد کرد. بتدریج ایجاد سازمانها و
 شرکتهای غول پیکر و دیوان سالاریهای عظیم و
 دولتهای نیرومندی که قدرت اجرایی در آنها حد و
 مرز نمی شناخت به از خود بیگانگی انسان و استیلا
 تشکیلات اداری بر او انجامید. این دولت سالاری و
 تمرکزگرایی مطلق هم بر نظام سرمایه داری و هم بر
 نظام سوسیالیستی مسلط شد.

انکون این تمرکزگرایی مطلق بدلیل ضعف
 پایه های مادی و تاریخی آن رو به فروپاشی تدریجی
 است. در اینجا منظور بهیچوجه بازگشت به دوران
 اقتصاد روستایی و ساختار سیاسی ملوک الطوائفی
 قبل از تمدن صنعتی نیست. بلکه بحث بر سر
 دموکراتیزه شدن ساختارهای سیاسی و اقتصادی
 موجود، ایجاد خودمختاریهای محلی، کاهش نقش
 بازار بزرگ و متمرکز، و کاهش فاصله تولید و مصرف
 به کمک تکنولوژیهای مدرن است.
 تضعیف و فروپاشی رژیمها و سیستمهای
 استبدادی از یکسو، و رشد جنبشهای ملی و قومی در
 سراسر جهان و خیزش تازه انسانها برای کسب هویت
 فردی و استقلال بیشتر در زندگی خصوصی و اجتماعی
 از سوی دیگر، از شواهد روند تمرکز زدایی مثبت در
 عصر ماست.

می شود. از سوی دیگر، رشد پر شتاب محرومیت ها،
 در ایران، همپا با رشد آگاهی ها و تردیدها و
 بی اعتمادی ها به مرحله اعتراض کشیده است.
 بر خورد درون حاکمیت، بر خوردی است اضطراری
 و نه مصلحتی- که ریشه در احمق نارضایی ها و
 محرومیت های تمام مردم دارد. و هر چه این تضاد
 افزایش یابد نشانه افزایش و تراکم نارضایی ها و
 محرومیت های درون جامعه است.
 باین برداشت اجتماعی است که قبلا در باره آینده
 مطبوعات، انتشار روزنامه هایی نظیر سلام و... را
 نشانه هایی از طلوع نه چندان دور مطبوعات سیاسی
 غیر دولتی بشمار آوردم.
 هشجاری و حرکت هماهنگ انبوه آوارگان ایرانی
 خارج از کشور، در راه هدنهای دست یافتنی و نه
 آرمائی- به پدید آوردن فضای اعتراض هام و مردمی
 در داخل ایران مدد می رساند. و مجال تجزیه
 سریعتر حاکمیت را در درون خود جدایی کاملش را
 از بدنی که به آن متکی است، فراهم می آورد.
 این حاکمیت، دیگر مدتی است که مشروعه ایتری را
 که به آن تظاهر می کرد، در توهم جامعه، از دست
 داده است و علیه فم تمام خشونت هایی که در ذات
 خویش دارد، هرگز نتوانسته است احساس امنیت
 بکند. و چه بهتر که شیشه عمرش در دست وحدت عمل
 نیروهای دموکرات، و مدافعان آزادی و حاکمیت
 مردم باشد.

سوسیالیسم نمرده است

میخائیل گارباچف

میخائیل گارباچف، رئیس جمهور سابق اتحاد جماهیر شوروی تصمیم گرفته است که از این پس نقطه نظرش را ماهانه در چندین نشریه معتبر اروپایی بچاپ برساند. آنچه که در زیر آن نظر خوانندگان عزیز میگذرد، برگردان اولین مقاله از سلسله مقالات اوست.

از شکست کودتای ماه اوت تاکنون که توطئه گران دستگیر شده و توطئه های و پیامدهای آن، هم در کشور و هم در جهان افشا گردیده است، اغلب از من این سئوالات که در فرب طرح شد و به مسکو هم کشیده شده است، پرسیده می شود: آیا کمونیسم مرد یا هنوز زنده است؟ و آیا میتوان دوباره مطرح شود؟ امروزه میتوان با جرئت مرگ و دفن مدل استالینی را اعلام کرد. این مدلی بود که از همان ابتدا هیچگونه اهتتایی به حقوق بشر و احتیاجات مردم نداشته و شدیداً دمکراسی را بی اساس می پنداشت. این سیستمی بود که به جامعه بی حرمتی می کرد و ایده های سوسیالیسم را به انصراف کشانید. فکر کنم که مدل استالینی مرده و باید اقرار کنم که خداراشکر.

من کاملاً مطمئنم که مرگ این مدل تأثیری بر خود سوسیالیسم ندارد. ایده سوسیالیسم همچنان ادامه حیات داده و تلاش و پویایی میل به آزمایش و پیدایش فرمی جدید برای کاربست سوسیالیسم ادامه دارد. ناگفته پیداست که اصول دمکراتیک و انسان دوستانه طبیعتاً باید در صدر این پویایی قرار گیرد. جالبتر از همه اینکه این پویایی نه تنها در کشور ما (که فازی از

تاریخ را که بر همه ما همان است آغاز و پایان برده است) بلکه در تمامی دنیا که شامل کشورهای کاپیتالیستی نیز می باشد بره است. این تأثیر راحتی می توان در بخش وسیعی از احزاب سیاسی مشاهده کرد. انگار نیروهای مختلف سیاسی از مقاطع مختلف تلاش در بکارگیری چیزی دارند که مغایرتی با ایده های سوسیالیسم نداشته باشد، در حالی که عکس این قضیه صدق می کند، یعنی نتیجه همان ایده ها است که می توان به آسانی بر این نقاط تلاقی انگشت گذارد. واقعیت قضیه این است که همه ما، شرق و غرب، چه متوجه آن باشیم یا نه، در حال حاضر در حرکت هستیم و این همان چیزی است که مرا متقاعد می کند که کلیشه های قدیمی دیگر مفهوم خود را از دست داده اند و نباید آنها را مورد بررسی جدی قرار دهیم.

خاصه اینکه دیگر نمی توانیم سوسیالیسم و کاپیتالیسم را بر علیه یکدیگر و اداریم، انگار که در دوره جنگ های مذهبی هستیم. این بدان معنی است که باید کلیه جوانب و زوایای پیچیدگی های جامعه و تمدنی که داریم وجود می آوریم را درک کنیم، چرا که دقیقاً همین جوانب و تضادهاست که اصل آزادی های فکری، سیاسی و جمعی می باشد. در این رابطه آزادی اقتصادی را نیز باید مراعات کرد. نوربرتو پوپو فیلسوف ایتالیایی می گوید: بحران سوسیالیسم بدلیل نبود بازار در آن می باشد. ولی من امروزه به این نتیجه رسیده ام که آزادی اقتصادی یعنی همزیستی تمامی اشکال مالکیت - دولتی، کوپراتیو، خصوصی و بازار.

شوراهای منطقه ای فرانسه بدون اکثریت قاطع

سایر احزاب و پیروزی قابل توجه برای راست های افراطی جبهه ملی و دو لیست محیط زیست بود، در شوراهای منطقه ای اکثریت قاطعی وجود ندارد. به این دلیل انتخاب روسای این شوراهای اکثریتاً تنها در دور دوم انتخابات امکان پذیر بود. دور سوم انتخابات که در آن کسب اکثریت نسبی کافی است در این هفته در برخی از مناطق اجرا خواهد شد. تنها در منطقه Auvergne منطقه ای که ریاست شورای آن برعهده

جمعه ۲۷ مارس روز انتخاب روسای شوراهای منطقه ای در فرانسه بود. اعضای این شوراهای انتخابات روز یکشنبه ۲۲ مارس برگزیده شده بودند. در نتیجه این انتخابات در ۱۲ منطقه از مجموع ۲۲ منطقه فرانسه کاندیداهای لیست مشترک گاولیست ها (RPR) و لیبرال ها (UDF) به پیروزی رسیدند. از آنجائی که نتایج این انتخابات حاکی از شکست سنگین برای سوسیالیست ها، کاهش آراء برای

جولان و با، بیماری فقرا در آمریکای لاتین

در این فاصله هزاران انسان بدان مبتلا گردیده اند. این گسترش بیش از همه در برخی از کشورهای آسیایی و نیز قاره آفریقا به چشم می خورد. از سال پیش آمریکای لاتین نیز به مناطق تهاجم وسیع این بیماری افزوده شده است. ظاهراً به سادگی میتوان از ابتلا به باجولوگیری کرد. به عنوان مثال نباید آب نجوشیده آشامید. ولی ساکنان محله های فقیرنشین از جمله در آمریکای لاتین حتی پول لازم به منظور تهیه گاز پروپان و خرید کروزین برای جوشاندن آب آشامیدنی را ندارند.

سال پیش و با در عراق نیز شیوع یافت. شیوع این بیماری در عراق از پیامدهای دو جنگ تحمیلی شده بر مردم این کشور بود. یکی جنگ جنون آمیز ایالات متحده آمریکا و هم پیمانانش از یک سو و نیروهای جنگ طلب حاکم بر عراق از سوی دیگر و دیگری لشکرکشی نیروهای نظامی بغداد بر علیه کردهای این کشور. قربانیان و با در عراق می توان به شمار کشتگان این دو جنگ افزود.

تهاجم علیه شورشیان سودان

روز ۲۰ مارس خبرگزاری ها گزارش دادند که نیروهای نظامی سودان تهاجم خود علیه شورشیان سیاه پوست این کشور را آغاز کردند. این وسیع ترین اقدام نظامی دولت خارطوم در طی ۸ سال جنگ داخلی در جنوب این کشور بوده است. نیروهای دولتی در این تهاجم خود از پشتیبانی اتیوپی و احتمالاً ایران برخوردارند. قوای دولتی در همان آغاز تهاجم خود موفق شدند با حمله از خاک اتیوپی شهر مرزی پویشالا را که از چهار سال پیش در دست ارتش رهائی بخش خلق سودان (SPLA) بود، به تصرف خود در آورند. بر اساس گزارش SPLA واحدهای بزرگ زمینی و دریائی ارتش سودان از شمال و جنوب به شهر پور نزدیک

می شوند. کارکنان کمیته بین المللی صلیب سرخ این شهر را ترک کرده اند. در اثر تجدیدات صورت گرفته از طرف دولت سودان این کمیته وادار به برچیدن محل های امداد رسانی مالی و داروئی خود در جنوب سودان شده است. در پی این اقدام از نظر ذخائر غذایی شورشیان دچار حالتی بحرانی خواهند شد، چرا که دو هفته بعد با شروع فصل باران فرود هواپیماها در این منطقه غیر ممکن خواهد شد.

هشدار دیگری: انتشار مواد رادیو اکتیو

هفته گذشته یکی از راکتورهای هسته ای روسیه در نزدیکی سن پترزبورگ (لنینگراد سابق) به دلیل اختلالات فنی از کار افتاد و مواد رادیو اکتیو به محیط پیرامون راه یافت. گر چه مقامات روس با گزارشات کذب خود سعی در تخفیف نگرانی های حاصل از این سانحه کردند ولی گیرنده های رادیو اکتیو در جنوب فنلاند نشانگر افزایش میزان رادیو اکتیو موجود در هوا بودند. راکتور از کار افتاده شوروی از نوع راکتوری است که حدود شش سال قبل در چرنوبیل منجر به فاجعه ای انسانی و اکولوژیک شد. مقامات روس بدون توجه به این مسئله و سیستم نامطمئن این دسته از راکتورها در صد آند که به فاصله زمانی کوتاهی به گشایش مجدد این راکتور اقدام نمایند. در خاک "جامعه دولت های مستقل" تعداد زیادی از این نوع راکتورها موجودند. برخی از کشورهای اروپائی خواهان توقف کاربرد این راکتورها هستند. آمار منتشره در اوکراین حاکی

از آن است که حدود شش سال پس از واقعه چرنوبیل آمار کودکان مبتلی به سرطان در اوکراین و بلاروس بسیار بالاتر از نرخ مشابه در سال ۱۹۸۶ است. همچنین بر اساس آمار میزان اختلال رشد طبیعی کودکان در اوکراین ۲۳۰ درصد و در بلاروس ۱۸۰ درصد افزایش یافته است. تعداد کودکانی که از نقض سیستم دفاع طبیعی بدن رنج می برند به ۲/۵ تا ۳ برابر افزایش یافته است. بررسی پزشکی روی کارکنانی که در رفع عوارض فاجعه چرنوبیل مشارکت داشتند حاکی از آن است که میان این افراد اثرات تغییرات ژنی و کروموزومی به ۵ تا ۱۵ برابر نمونه برداری های هادی رسیده است. بر اساس آمار رسمی در نتیجه فاجعه چرنوبیل ۳۲ تن جان خود را از دست دادند. اما دانشمندان و سیاستمداران در اوکراین از حداقل ۲۵۰ قربانی سخن می گویند و حتی برخی ها این رقم را تا ۱ هزار نفر اعلام کرده اند.

ترکیه: سوانح و مرگ انسان ها

در هفته های گذشته کشور همسایه ما ترکیه صحنه جان سپردن انسان ها بود. سوانح طبیعی از یک سو و منافع حاکمان زر و زور از جانب دیگر به بهای جان های بسیار تمام شده است. سرمای بی سابقه امسال مردم ترکیه را نیز از گزند خود بی آسیب نگذاشت و قربانی گرفت. از طرف دیگر زلزله نیز موجب مرگ صدها نفر از مردم این کشور شد. زلزله ای به شدت ۶/۸ ریشتر ایالت ارزنجان در شرق ترکیه ربه مدت یک دقیقه لرزاند و به نابدی بیش از ۳۰۰۰ هزار انسان منجر شد. این زلزله شدیدترین زلزله ای بود که این منطقه طی نیم قرن اخیر خود دیده بود. در اثر این رخداد طبیعی از جمله تمامی ساختمان های مرتفع ارزنجان مرکز ایالت ارزنجان فرو ریخت و به برخی دیگر از شهرهای شرق و شمال ترکیه خساراتی وارد آمد. خوشبختانه در پاره ای از نقاط زلزله تلفات جانی در پی نداشت. در این منطقه زلزله خیز از آغاز قرن تاکنون بیش از ۷۰ هزار نفر جان خود را در اثر این سانحه طبیعی

از دست داده اند. از جمله علل رقم بالای قربانیان زلزله اخیر عدم رعایت اصول ساختمانی در یک منطقه زلزله خیز و نیز عدم تامین امکانات امنیتی را می توان برشمرد.

تقدری پیش از زلزله وقوع انفجار در یکی از معادن ذغال سنگ در شمال ترکیه منجر به مرگ بیش از ۳۰۰ معدنچی شد. علت این انفجار تراکم بیش از اندازه گاز متان بوده است. این انفجار و سانحه های مشابه که در سال های گذشته در معادن ذغال سنگ ترکیه رخ داده است نتیجه مستقیم "صرفه جوئی های" اقتصادی صاحبان این معادن است. این "صرفه جوئی ها" به قیمت عدم رعایت موازین بهداشتی و امنیتی در تونل های معادل ذغال سنگ انجام می گیرد. ثمره اقتصادی این "صرفه جوئی ها" قیمت نازل ذغال سنگ ترکیه است. بهای ذغال سنگ ترکیه به عنوان مثال یک سوم نرخ مشابه ذغال سنگ آلمان است ولی آنچه مورد توجه صاحبان زراست نه جان انسان ها، بلکه پولی است که از این محل به جیب آن ها می ریزد.

بزند. با این حال به نظر می رسد که شورشیان از نظر نظامی نیز در موقعیت دشواری قرار دارند. انشعابی که در سال گذشته در صفوف آن ها رخ داد، قوای سیاسی شان را به تحلیل برده است. گارانگ رهبر SPLA یکپارچگی سودان را می خواهد. سودان با ۲/۵ میلیون مربع بزرگترین دولت قاره آفریقا است. ولی گارانگ در عین حال در صد آن است که دولت خارطوم که همواره در دست شمال اسلامی سودان بوده، برای حقوق و خودمختاری جنوب سیاه پوست سودان را تامین کند. در مقابل گروهی که توسط ماسار و آکول، معاون سابق گارانگ رهبری می شود به بیمودگی این تلاش معتقد است و خواهان جدائی جنوب سودان می باشد.

به گفته سخنگوی گارانگ، او نه تنها با نیروهای دولتی می جنگد بلکه با نیروهای خودی و با "ایتانیا - شماره ۲" نیز مقابله می کند. "ایتانیا - شماره ۲" شکل جدید گروهی چریکی است به نام ایتانیا (ایتانیا نام یک مار سمی آفریقا است) که از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۲ علیه خارطوم می جنگید. ایتانیا در نتیجه مبارزات خود به دست آوردهای محدودی نیز نائل آمده بود. ولی دولت خارطوم بعدها تمامی این امتیازات مربوط به برابری سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی را پس گرفت.

به گفته SPLA بیش از ۱۸ هزار سرباز ایرانی و سلاح های هوائی لیبی در تهاجم وسیع خارطوم در کنار قوای دولتی مشارکت دارند.

گزارشات SPLA همچنین حاکی از آن است که ایران، چین و لیبی تجهیزات جنگی بالغ بر بیش از ۳۵۰ میلیون دلار شامل تانک، هواپیما، موشک و سلاح های سنگین در اختیار دولت سودان قرار داده اند. این گزارشات در ادامه خود حاکی از آنند که در ژانویه SPLA با سربازان ایرانی مواجه شدند که از طرف یوبا به سمت تورت در حرکت بودند. البته SPLA کسی را به اسارت نگرفته و هیچ مدرک شناسائی در نزد مقتولین یافت نشده است ولی "تیافه و رنگ پوست" جای شکی باقی نمی گذارد که اینها ایرانی هستند.

دولت شایعات موجود در مورد نیروهای خارجی را تکذیب می کند. ولی عیان است که پس از تغییر ۱۰ ماه پیش رژیم در آدیس آبابا، اتیوپی دیگر نه پشتیبان SPLA بلکه حامی دولت کنونی سودان است. صاحبان قدرت جدید در اتیوپی در صد برقراری روابط دیپلماتیک با لیبی، سودان، عراق و ایران هستند. ایالات متحده آمریکا که رژیم فعلی آدیس آبابا را به قدرت رسانده است سودان را متهم به نقض حقوق بشر می کند. کومن مسئول بخش آفریقای وزارت امور خارجه واشنگتن، خارطوم را متهم می کند به اینکه هزاران سیاه می فرستد. واشنگتن قبل از گزارش داده بود که پناهندگان تنها هنگامی آب و غذا دریافت می داشتند که به اسلام رو می آوردند.

آفریقای جنوبی: شکست نژادپرستان افراطی



اکتیت سفید پوست آفریقای جنوبی در فروردین هفتم گذشته آزمون دشواری را پشت سر گذاشت. با وجود تبلیغات همه جانبه حزب محافظه کار و سایر جریان‌های افراطی راست که دکلرک را بعنوان خائن و کنگره ملی آفریقا را ضد مسیحی قلمداد می‌کردند و آینده آفریقای جنوبی را در صورت تداوم اصلاحات تیره و تار ترسیم می‌نمودند، عقل سلیم پیروز شد. نتیجه فراندوم بار دیگر نشان داد که هیچ آلترناتیو عقلایی دیگری در برابر مذاکرات وجود ندارد. مذاکره سیاسی خواست کنگره ملی آفریقا بود که آن را از سالها پیش مستمرا مطالبه می‌کرد و بالاخره در سال ۱۹۹۰ مورد پذیرش دکلرک قرار گرفت.

سفید پوستان آفریقای جنوبی برای مثبت خود روند اصلاحات را در مقابل نیروهای نژاد پرست مورد تایید قرار داده اند. اما خطر نیروهای راست بر اثر شکست آنها

در فراندوم هنوز رفع نشده است. حربه مقابله با اصلاحات با ورقه‌های رای به شکست انجامید. این وضعیت تضادهای درونی حزب محافظه کار را تشدید کرده

راهپیمایی علیه نژادپرستی و فاشیسم در هلند

آمستردام در نخستین روز بهار امسال، شاهد راهپیمایی عظیمی علیه راسیسم و فاشیسم بود. این راهپیمایی در نوع خود بی سابقه بود و مردم هلند تنها در اعتراضات سال‌های دهه هشتاد بخاطر صلح و علیه تشدید مسابقه تسلیحاتی راهپیمایی‌های عظیم‌تری از این راه به چشم دیده بودند. شمار شرکت کنندگان در این راهپیمایی تا رقم ۹۰ هزار نفر تخمین زده شده است.

مشابه بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی، حرکات ضد خارجی خاصه در ماه‌های اخیر در هلند نیز بروز یافته‌اند. بمب‌گذاری در چندین مسجد مسلمانان در شهرهای مختلف هلند، تشدید تبلیغات ضد خارجی احزاب ماورا راست و تصویب قوانین محدود کننده حقوق پناهمجویان توسط پارلمان هلند، از زمره موارد قابل ذکر این روندند. گرچه ابعاد این حرکات با آنچه مثلا در آلمان یا سوئد جریان داشته است قابل مقایسه نیست اما چه نیروهای مترقی و انساندوست هلندی و چه خارجیانی از امکان اوچگیری سریع آنها بحق نگران بوده و هستند.

راهپیمایی روز شنبه ۲۱ مارس که بدعوت صدها سازمان هلندی و غیر هلندی، از جمله بزرگترین اتحادیه کارگری و بعضی احزاب سیاسی هلند، سازمان‌های خارجیانی متیم هلند و با مشارکت شهرداری آمستردام برگزار شد اقدامی به موقع و وسیع برای پیشگیری از ارزیابی شد.

تقریباً سه چهارم راهپیمایان، هلندی بودند و همین امر مانع از تبدیل راهپیمایی به صف بندی بین خارجیانی و هلندی‌ها و موجب واقعی برای ابراز تمایل و خواست مردم هلند به زندگی‌ای برابر حقوق با غیر هلندی‌ها در جامعه هلند شد. تنوع سیاسی ترکیب شرکت کنندگان نیز قابل توجه بود: از مارکسیست، لیونیست‌هایی با تصاویر لنین و استالین، تا پیروان کلیسای کاتولیک و دیگران؛ اما همگی مشترک در شعارهای ضد راسیستی و ضد فاشیستی.

تعدادی از وزرای کابینه و نمایندگان پارلمان هلند نیز در کنار رقبای سیاسی شان در راهپیمایی شرکت داشتند و نخست وزیر هلند جزو سخنرانان مراسم پایانی راهپیمایی بود. او در سخنانش کابینه خود را کابینه همگان اعلام کرد و البته این مانع از آن نشد که عده‌ای از حاضران به سوی او گوجه فرنگی پرتاب کنند. در پیامی که از جانب اتحادیه کارفرمایان هلند قرائت گردید، به خارجیانی وعده داده شد که این اتحادیه برای رفع بیکاری خارجیانی که درصد فوق العاده بالایی در میان خارجیانی دارد، خواهد کوشید. رسانه‌های گروهی هلند این راهپیمایی را وسیعاً منعکس کرده و آن را فوق انتظار توصیف کردند.

ترکیه: سرکوب و کشتار کردها

و احتمالاً به انشعاب آن منجر خواهد شد. به این ترتیب نیروهای مدافع حجر، که خواهان نزدیکی به جریان فاشیستی "جنبش مقاومت سفید پوستان" هستند و روابط تنگاتنگی با ارتش و بخصوص پلیس دارند، آزادی عمل بیشتری پیدا می‌کنند. پرتیراژترین روزنامه کشور، "ستاره" نسبت به اقدامات روبه افزایش قهرآمیز این نیروها هشدار داده و می‌نویسد: "وقت آن است که دکلرک نیروهای انتظامی را تصفیه و تحت کنترل خود در آورد." یکی از سخنگویان حزب کمونیست با اشاره به تشنجات اخیر، عنوان نمود که در روزهای قبل از فراندوم حدود ۳۵۰ نفر در برخورد های خونین جان خود را از دست داده‌اند. روند مذاکرات تنها هنگامی به موفقیت خواهد رسید که نفوذ جریان‌های افراطی راست در دستگاه دولتی از بین برود.

کوشش‌های سازمان ملل پیرامون افغانستان

یافته است. با وجود آنکه سه گروه افراطی شورشی افغان به سرکردگی حکمت یار، خالص، سیاف هنوز حاضر به همراهی با کوشش‌های سازمان ملل نشده‌اند، اما اقلب ناظران عقیده دارند که اگر پاکستان به اعلام حمایت خود از طرح صلح سازمان ملل و اقدامات آن برای حل و فصل بحران افغانستان وفادر بماند، گروه‌های سه‌گانه فوق ناگزیر از تمکین به واقتیات و شرکت در مذاکرات صلح خواهند بود.

هم‌اکنون اکثر آگاهان مسائل افغانستان بر این نظرند که افغانستان در حال رهایی از جنگ مصیبت جنگ است. این بمعنای قطع هرگونه زدو خورد و خونریزی در آینده نزدیک در افغانستان نیست. هنوز هستند دستجاتی که همچنان به راه‌حل‌های استفاده از زور پافشاری دارند و یا تریده‌ها نسبت به جدی بودن نظامیان پاکستان در جانبداری از راه حل صلح آمیز بحران افغانستان بر طرف نشده است. علاوه بر این به سبب اختلافات میان دستجات و گروه‌های مختلف امکان بروز درگیری‌هایی در آینده افغانستان نامحتمل نیست. با این وجود جنگ در ابعاد و مضمونی که تاکنون در این کشور ادامه داشت دیگر رو بپایان است، اما آیا افغانستان از افتادن در ورطه خطر مملکت‌تراز جنگ یعنی قدرت گیری افراطیون در آینده آن کشور در امان خواهد بود؟

بقیه از صفحه اول

برای اولین بار جشن و سرور نوری در ترکیه پذیرفته شده بود و کردها به همین مناسبت در تظاهراتی مسالمت‌آمیز به خیابان‌ها آمدند. ولی نیروهای انتظامی دولت سرکوبگر حتی تاب تحمل تظاهرات مسالمت آمیز کردها را نیز نداشتند. تظاهرات به خاک و خون کشیده شد، صدها نفر کشته شدند و تعداد بیشماری مجروح گردیدند. به گفته شاهدان عینی تظاهرات مردم قبل از حمله نیروهای انتظامی صلح جویانه بوده و آنها پس از حمله نظامیان به عکس العمل خشن روی آوردند.

پس از آن دولت در اقدامی وسیع به سرکوب مناطق کردنشین دست یازید. به گفته رئیس انجمن حقوق بشر ترکیه اکنون در ترکیه اوضاع جنگی حاکم است. وی افزود که ارتش از آنکارا دستور گرفته بوده است که هرگونه اجتماع کردها را بطور قهرآمیز از هم بپاشد. ارتش ترکیه با استفاده از هواپیماهای جنگی و تانک و توپ و تفریباتی از زمین و هوا به سرکوب کردها پرداخت. نتیجه این سرکوب وسیع تاکنون تعداد زیادی جان باخته‌اند و بسیاری مجروح گردیده‌اند. یک نماینده مجلس ترکیه در پاسخ به پرسش یک خبرنگار آلمانی در مورد سرکوب کردها گفت مگر شما با ترک‌های مقیم آلمان حقوق بشر را رعایت می‌کنید؟

سازمان‌های کرد نیز در مقابل این سرکوب فیرانسانی به واکنش پرداختند و در داخل و خارج به حملات و اقدامات انتقامی دست زدند. در بسیاری از شهرهای آلمان کردها در مقابل نمایندگی‌های سیاسی ترکیه و شعبه‌های بانک‌های ترکیه به

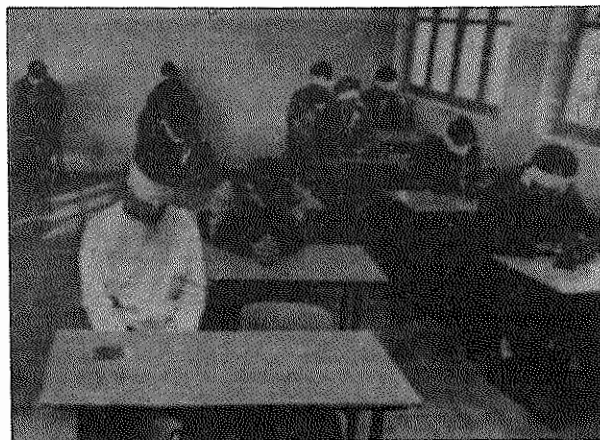
برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپر بستی و یار سیدبانگی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایند.

اروپا	دیگر نقاط
بهای اشتراک نشریه "کار" ۴۵ مارک	بهای اشتراک نشریه "کار" ۵۴ مارک
یک ساله ۹۰ مارک	۱۰۴ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

مدرسه یازندان؟

اینجا مدرسه‌ای است در اسرائیل. پلیس اسرائیل در جستجوی خانه به خانه، این جوانان را دستگیر و در این مدرسه زندانی کرده است. جوانان با چشم‌ها و دستان بسته در انتظار بازجویی نشسته‌اند. این عملیات پلیس در همان دو روز نخست منجر به مرگ یک جوان توسط پلیس و زخمی شدن ۳ نفر دیگر شد.



<p>KAR No 31 1 APR 1992</p>	<p>ارگان مرکزی سازمان ندانیان خلق ایران (اکثریت)</p>
<p>حساب بانکی: M.ABD NR-35263011 کدبانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p>	<p>آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p>